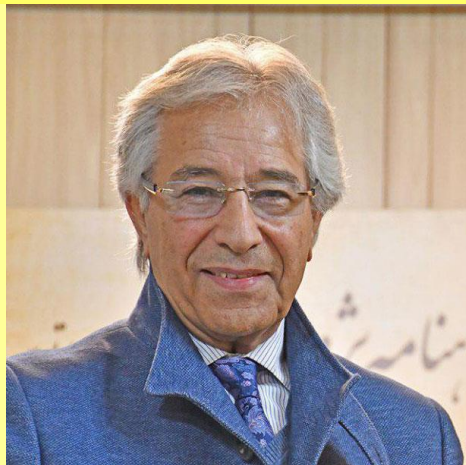


**ایوان مدائن یا طاق کسرا  
(کاخ تیسفون)  
ناصر کنعانی**

محقق، فیزیكدان و استاد دانشكده فنی برلین



**پرونده ویژه: معماری ایران  
باستان و پیشتازان معماری  
معاصر ایران**

با مشارکت:

ناصر کنعانی

نصرت الله ضیایی

مرتضی حسینی دهکردی

نعمت الله مختاری امیر مجدی

اردوان مفید

جهانگیر صداقت فر

علی فراستی

بر درگه آن شهان نهادندی رو

بنشسته همی گفت که کوکو کوکو (عمر خیام)

آن قصر که با چرخ همی زد پهلو

دیدیم که بر کنگره اش فاخته ای

ایوان مدائن یا طاق کسری که همان کاخ سلطنتی تیسفون باشد از چشمگیرترین آثار معماری ایرانی از دوران پادشاهان اشکانیان و ساسانیان است که ویرانه های آن اکنون در خرابه های شهر باستانی تیسفون (به عربی طیسفون) در کشور عراق<sup>۱</sup> و در نزدیکی بغداد به یادگار مانده اند (شکل ۱).

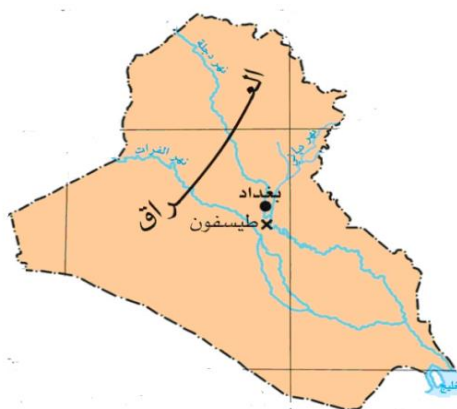
بقیایی که از آن کاخ به جای مانده اند نمایانگر بزرگترین تالاری هستند که با آجرکاری به شکل طاق<sup>۲</sup> و بدون استفاده از هیچ گونه تکیه گاهی نزدیک به دو هزار سال پیش برپا شد و هنوز هم جلوه هایی از شکوه باستانی خود

<sup>۱</sup> کشور عراق در سال ۱۹۲۰ به وجود آمد و نام آن ریشه در نام شهر باستانی "اوروک" دارد که چندین سده پیش از میلاد مسیح یکی از بزرگترین زیستگاه های سومری ها و مهم ترین مرکز مذهبی آنها بود.

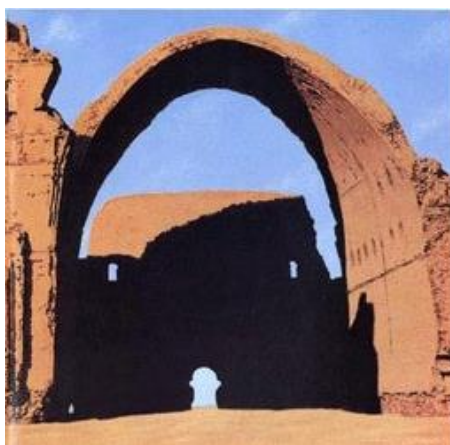
<sup>۲</sup> طاق که در اصل "تاک" فارسی است، در اینجا به معنای ایوان سرپوشیده یا سقف خمیده می باشد.

را حفظ کرده است. مجله معتبر "ساینتیفیک امریکن"<sup>۱</sup> تصویر این طاق را در روی جلد شماره ماه ژوئیه سال ۱۹۷۸ خود چاپ کرد (شکل ۲) و یادآور شد:

«طاق کسری به راستی نقطه اوج هنر طاق سازی با آجرهای شیاردار است که تالار بزرگ آن اکنون در تیسفون، در جنوب شهر بغداد دیده می شود. این طاق بین سده های سوم و ششم پس از میلاد (توافق کلی در مورد تاریخ ساخت آن وجود ندارد) نه با آجرهایی که در آفتاب خشک می شود، بلکه با آجرهای پخته ساخته شد و هنوز هم با ارتفاع ۴،۲۸ متر و دهانه ای به پهنای ۵،۲۵ متر بزرگترین طاق تک دهانه جهان به شمار می رود، طاقی که زمانی دور با آجرهای غیر مسلح بنا شد (نگاه کنید به تصویر روی جلد این شماره).»<sup>۲</sup>



شکل ۱: نقشه کشور عراق و موقعیت جغرافیایی شهر باستانی تیسفون



<sup>۱</sup> Scientific American

<sup>۲</sup> Gus W. Van Beck: "Ashes and Vaults in the Ancient Near East", p. 102.

شکل ۲: تصویر روی جلد مجله "سایتیفیک آمریکن"، ژوئیه ۱۹۷۸

### پیشینه تاریخی، دوران اشکانیان

پس از مرگ اسکندر مقدونی در سال ۳۲۳ پیش از میلاد، سرزمین های وسیعی که او فتح کرده بود به دست سردارانش افتادند. یکی از آنان به نام سلوکوس موفق شد پس از چند سال حاکمیت بر ایران و بابل (عراق کنونی) را به دست آورده و سلسله ای برقرار نماید که پس از او به سلوکیان مشهور شد. او در سال ۳۰۵ پیش از میلاد در کرانه ۵ باختری رود دجله<sup>۱</sup> شهری بنا کرد به نام سلوکیه و آنرا پایتخت خود قرار داد و تا سال ۲۸۱ پیش از میلاد به نام سلوکوس یکم فرمانروایی نمود. سلوکیان گرچه تا سال ۲۴۷ پیش از میلاد کم و بیش بر بخش های بزرگی از ایران حکومت کردند (شکل ۳)، ولی وسعت قلمروی آنها مدام کوچکتر و قدرت سلطه آنها نیز کم و کمتر می شد.



شکل ۳: قلمروی سلوکیان در آسیای میانه<sup>۲</sup>

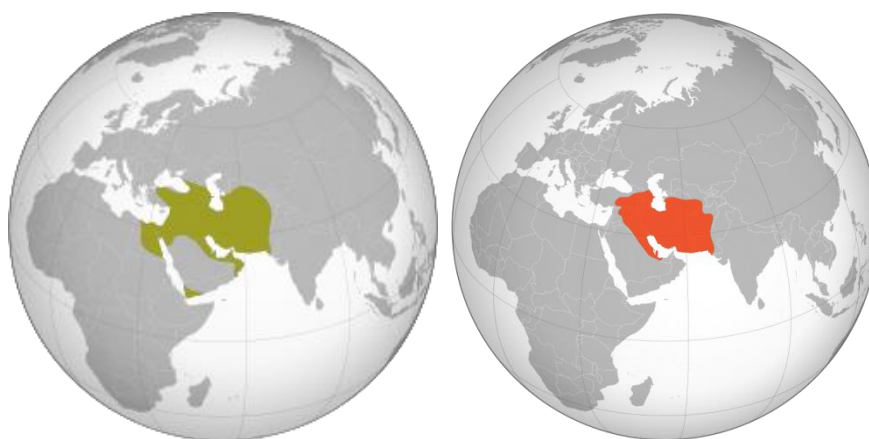
سرانجام اشکانیان که قومی ایرانی و ساکن شرق ایران بودند موفق شدند در سال ۲۴۷ پیش از میلاد بر دودمان یونانی تبار سلوکی پیروز شده و امپراتوری خود را در ایرانزمین پایه ریزی نمایند. آنها از این پس تا سال ۲۲۴ پس از میلاد، یعنی نزدیک به پانصد سال با قدرت و شوکت بسیار بر سرزمین مادری خود فرمانروایی نمودند.

نظامیان اشکانی در همان ابتداء پیروزی خود بر سلوکیان در روستائی به نام تیسفون<sup>۱</sup> واقع در کرانه شرقی رود دجله یک پادگانی نظامی بنیاد نهادند که به مرور زمان بزرگتر و مهمتر شد تا اینکه مهرداد<sup>۲</sup> یکم یا اشک پنجم (پادشاه

<sup>۱</sup> این رود در دوران هخامنشیان و در زبان پارسی باستان "تیگره" (تند و تیز) نام داشت زیرا آب آن به تندی روان بود. نام فارسی امروز آن "اروند رود" می باشد.

<sup>۲</sup> <https://www.kojaro.com/history-art-culture/192250-seleucids-hellenic-culture-iran/>

اشکانی از سال ۱۷۱ تا ۱۳۲ پیش از میلاد) پس از تصرف بابل آنجا را به عنوان تختگاه سلطنتی انتخاب نمود. او معمار اصلی شاهنشاهی اشکانی بود و فتوحاتش قلمرو اشکانیان را از یک پادشاهی کوچک به یک امپراتوری جهانی و یکی از بزرگترین قدرت های زمان خود تبدیل نمودند. مهرداد یکم نخستین پادشاه اشکانی بود که خود را شاه شاهان یا شاهنشاه خواند. پس از او گستره سلطه اشکانیان به دست مهرداد دوم به اوج خود رسید که از سال ۱۲۴ تا ۹۱ پیش از میلاد به نام اشک نهم حکمرانی کرد و به لقب "بزرگ" ملقب شد. همانگونه که در شکل ۴ (راست) دیده می شود، اشکانیان بر سرزمین پهناوری حکومت کردند که میانرودان یا بین النهرین (عراق کنونی) نیز بخشی از آن بود.



شکل ۴: قلمروی امپراتوری اشکانیان (راست)<sup>۳</sup> و ساسانیان (چپ)<sup>۴</sup>

تیسفون در زمان ارد دوم یا اشک سیزدهم اشکانی که از سال ۵۵ تا ۳۷ پیش از میلاد سلطنت کرد و امپراتوری اشکانی را به اوج قدرت نظامی رسانید، به پایتختی و مقر زمستانی شاهان اشکانی انتخاب شد و تا زمان اردوان پنجم یا اشک بیست و نهم (از ۲۵۹ تا ۲۲۶ میلادی) تختگاه زمستانی پادشاهان اشکانی باقی ماند. این شهر پس از اینکه به پایتختی انتخاب گردید با سلوکیه پایتخت دیرین سلوکیان و دیگر سکونتگاه های مجاور ادغام شده کلانشهری را در جهان آنروز تشکیل داد که تا پایان فرمانروایی اشکانیان در سال ۲۲۴ پس از میلاد همواره مرکز نظامی، سیاسی

<sup>۱</sup> نام این روستا به زبان پهلوی اشکانی "تیسپون" ("ته سی پون") بود. اینکه چرا این نام در زبان های اروپایی به صورت Ctesiphon یا Ktesiphon نگارش می شود به این دلیل است که آن محل در در متون آرامی و سریانی "قتیسفون" می خواندند و یونانی ها بعدها از آن "کتیسفن" ساختند.

<sup>۲</sup> مهرداد فارسی نوین "میتراودتا" باستانی و به معنی "داده شده از سوی میترا" است که در زبان پهلوی اشکانی به صورت "میهدات" در آمد.

<sup>۳</sup> <https://fa.wikipedia.org/wiki/>

<sup>۴</sup> [https://es.wikipedia.org/wiki/Imperio\\_sas%C3%A1nida](https://es.wikipedia.org/wiki/Imperio_sas%C3%A1nida)

و تجاری ایران بود. احتمال زیاد می رود که بنیاد قصری که بعدها به "کاخ تیسفون" مشهور گشت در دوران اُرد دوم گذاشته شد.

کارشناسان موزه های دولتی برلین شرقی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۲ بر اساس نتایج کاوش های گسترده باستانشناسی مدلی از گچ از نمای بیرونی و حیاط درونی کاخ تیسفون ساخته و در برلین شرقی به نمایش گذاشتند. این مدل در شکل ۵ دیده می شود.



شکل ۵: مدل گچی از نمای بیرونی و حیاط درونی کاخ تیسفون در دوران اشکانیان<sup>۲</sup>

### پیشینه تاریخی، دوران ساسانیان

در سال ۲۲۴ پس از میلاد اردشیر، پور بابک پور ساسان<sup>۳</sup>، در نبرد "هرمزگان" بر اردوان پنجم پیروز شد و دو سال بعد در شهر تیسفون تاجگذاری نمود. او سلسله ساسانی را بنیاد نهاد و شاهان این خاندان بزودی قلمرو فرمانروایی خود وسعت بسیار بخشیدند و بر امپراتوری گسترده ای حکمرانی کردند که در دوران سلطنت خسرو دوم (از ۵۷۰ تا ۶۲۸ میلادی) بیست و چهارمین شاهنشاه ساسانی و مشهور به خسرو پرویز به اوج وسعت خود رسید. گستره حکومتی ساسانیان در این زمان، همانگونه که در شکل ۴ (چپ) مشاهده می شود حتی از امپراتوری اشکانیان نیز

<sup>۱</sup> Staatliche Museen zu Berlin, DDR (Vorderasiatisches Museum)

<sup>۲</sup> Detailgetreue Rekonstruktion einer parthischen Palastfassade aus Gipsstuck, I. Jahrhundert v. Chr.

<sup>۳</sup> ساسان جد اردشیر مردی از دودمان نجبا و موید پرستشگاهی بود که در شهر استخر برای نیایش و پرستش ایزد ناهید (آناهیتا) ساخته شده بود. اردشیر خود در آن زمان ارگبندی شهر داراگرد را بر عهده داشت.

بزرگتر بود. ساسانیان نیز تا پایان دوران آخرین پادشاه خاندان خود یزدگرد سوم (از ۶۳۲ تا ۶۵۱ میلادی) تیسفون را پایتخت خود قرار دادند.

یکی از کسانی که از شهر و کاخ تیسفون در این دوران نام برده است، آمیانوس مارسلینوس<sup>۱</sup> (۳۹۱-۳۳۰ میلادی) تاریخنگار رومی یونانی تبار است که هنگام لشکرکشی یولیانوس<sup>۲</sup> امپراتور روم (از ۳۶۱ تا ۳۶۳ میلادی) برای نبرد با شاپور دوم ساسانی مشهور به شاپور ذوالاکتاف<sup>۳</sup> در میان سپاهیان رومی بود. وی رویدادهای این نبرد را که منجر به شکست فاحش و مرگ یولیانوس گردید در کتاب تاریخ خود شرح داد و نوشته های او منبع ارزشمندی درباره تاریخ ایران نیز می باشند. مارسلینوس همچنین کاخی را در نزدیکی تیسفون توصیف کرده که صحنه هایی از شکار روی دیوارهای آن نقش شده بودند. گرچه نشانی از این نقش ها تاکنون به دست نیامده است، اما می توان درستی توصیفات او را پذیرفت، زیرا بنا به گزارش تاریخنگاران اسلامی تصویر خسرو پرویز سوار بر اسبی زردفام بر دیوار اتاق سریر شاهی دیده می شده است.

گمان می رود کاخی که مارسلینوس توصیف کرده است "کاخ سپید"، محل اصلی سکونت شاهان ساسانی بوده که در نزدیکی تیسفون (در منطقه ای به نام "مدینه العتیقه" یا شهر قدیمی در کرانه شرقی رود دجله) قرار داشته و به احتمال زیاد به فرمان دومین پادشاه ساسانی شاپور یکم (از ۲۴۰ تا ۲۷۰ میلادی) بنا شده بود. در برخی از منابع اسلامی "کاخ سپید" را که اعراب "قصر الأبیض" نامیده اند، با طاق کسری اشتباه گرفته شده است. در حالی که تمایز بین این دو بنا چشمگیر بوده. "کاخ سپید" دارای استحکامات قوی بود و همواره محافظت می شد، اما طاق کسری یا ایوان مدائن ساختمانی باز بود و برای مهمانی ها و خوش آمدگویی ها به فرستادگان خارجی و همچنین جشن ها و بارعام ها مورد استفاده قرار می گرفت.

شهر تیسفون در دوران حکومت شاپور یکم شکوفائی بسیار یافت و تبدیل به یک کانون فرهنگی مهم در قلب امپراتوری ساسانیان گردید. جانشینان او نیز هر یک به نوبه خود در توسعه و بازسازی شهر تیسفون نهایت کوشش خود را انجام می دادند و با افزودن شهرها و شهرک های مجاور به آن، شکوه آنرا در هر دو طرف رود دجله بیش

<sup>۱</sup> Ammianus Marcellinus

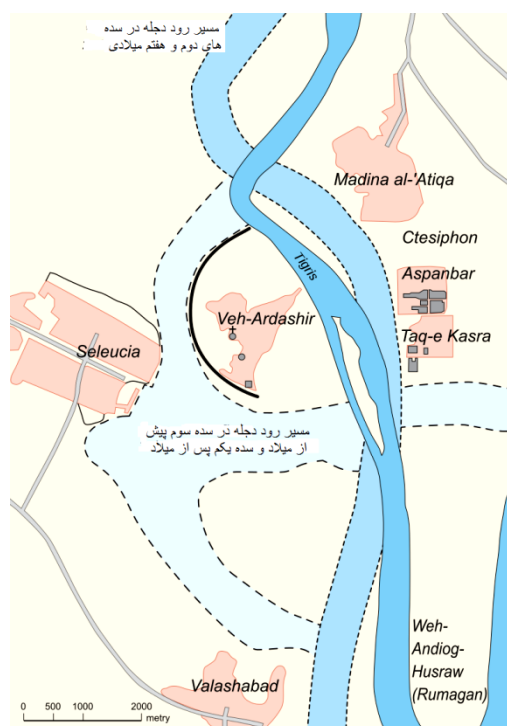
<sup>۲</sup> Flavius Claudius Julianus

<sup>۳</sup> شاپور دوم را از اینرو "ذوالاکتاف" (صاحب شانه ها) نامیده اند زیرا فرمان داد تا کتف های (شانه های) اسیران عرب سوراخ کرده و با طناب به یکدیگر وصل کنند. شاپور هنوز از شکم مادر زاده نشده بود که به پادشاهی انتخاب گردید و به مدت هفتاد سال سلطنت نمود (از زمان تولد در سال ۳۰۹ تا به هنگام مرگ در سال ۳۷۹ میلادی).

از پیش می ساختند به طوری که طولی نکشید که تیسفون به شهرگان یا کلانشهری تبدیل شد که هفت منطقه یا شهرستان را در بر می گرفت. این شهرستان ها عبارت بودند از:

۱. تیسفون اصلی و قدیمی از دوران اشکانیان که اعراب آنرا بعدها به علت قدمتش "مدینه العتیقه" نام نهادند (شکل ۶).

این شهر که در شرق رود دجله بنا شده بود حصاری به شکل کمان با برج های متعدد داشت که هنوز آثاری از آنها در خرابه های باقی مانده مشاهده می شوند. "کاخ سپید" یا محل سکونت پادشاهان ساسانی که پیش از این نامی از آن رفت، در اینجا بنا شد. کاوش های باستانشناسی که در سال های ۱۹۲۸/۲۹ توسط باستانشناسان آلمانی در این منطقه صورت گرفتند بناهایی شبیه کلیسا از دوره ساسانیان را آشکار ساختند.



شکل ۶: موقعیت مناطق هفتگانه کلانشهر تیسفون در دوران ساسانیان<sup>۱</sup>

۲. ولشآباد (ولاش آباد) نخستین شهرستان باستانی تیسفون که توسط بلاش یکم یا اشک بیست و دوم اشکانی بنا شد و نام آن بعدها به صورت عربی "ساباط" درآمد. این شهر (شکل ۶) در دوران حکومت بلاش یکم که از سال

<sup>۱</sup> <https://en.wikipedia.org/wiki/Ctesiphon>

۵۱ تا ۸۰ میلادی پادشاهی کرد با ترغیب هر چه بیشتر امر تجارت، تیسفون را تبدیل به یکی از مهمترین مراکز داد و ستد امپراتوری اشکانی نمود. ولّاش آباد در سال ۲۲۶ توسط ساسانیان تصرف و نوسازی شد.

۳. یکی دیگر از هفت شهرستان های کلانشهر تیسفون اَسبائبر<sup>۱</sup> نام داشت (شکل ۶) که محلی پارسی نشین بود. ایوان مدائن یا طاق کسری در این محل برافراشته شد و آنچه از آن تا به امروز به جای مانده، یادگاری است از هنر معماری ایرانیان آن دوران.

۴. "وه اردشیر" به فرمان اردشیر ساسانی در کرانه باختری رود دجله (آروند رود) و در انتهای غربی شهر تیسفون ساخته شد (شکل ۶) و به دیگر سخن سلوکیه تیسفون بود. نام این شهرستان نخستین بار در لوح یا سنگنوشته شاپور یکم پسر اردشیر یافت شد. در این سنگنوشته که در "کعبه زرتشت" واقع در نقش رُستم<sup>۲</sup> پیدا شد از آن شهر به نام "ویه اردشیر" به معنای بهترین شهر اردشیر یاد شده است. یهودیان ساکن تیسفون آنرا "ماحوزه" و مسیحیان آنرا "بت هرتشیر" می خواندند. بعدها اعراب این شهرستان را "بُهرَسیر" نامیدند.

۵. "وه اندیوگ خسرو" شهرستانی که خسروانوشیروان ساسانی در کلانشهر تیسفون ساخت و بعدها به "بستان کسرا" مشهور شد. علت بنای این شهر این بود که او در سال ۵۴۰ میلادی با سپاهی گران به شهر انطاکیه یکی از مهم ترین و آبادترین شهرهای قلمروهای رومی ها در مدیترانه شرقی حمله برد و آنرا تسخیر نمود. آن شهر آنچنان مورد پسند او قرار گرفت که بر اساس نقشه و مشخصات آن، شهری بنا نمود و آنرا "وه اندیوگ خسرو" یعنی شهر خسرو و بهتر از انطاکیه" (شکل ۶) نامید. این شهر را ایرانیان "رومگان" نیز می نامیدند و از اینرو اعراب آنرا "الرومیّه" نام نهادند.

۶. "درزیدان" شهرکی که در شمال "ویه اردشیر" ساخته شد.

۷. هفتمین شهرستان کلانشهر تیسفون "ماحوزا" نام داشت و اکثریت ساکنان این شهر را یهودیان تاجر و ثروتمند تشکیل می دادند. این شهر در سال ۳۶۳ میلادی توسط رومی ها به فرماندهی یولیانوس که پیش از این از او نام برده شد، نابود گشت، ولی بازسازی شد. اندکی بعد، پایتخت حکومت یک خودمختاری گشت که توسط "رأس

<sup>۱</sup> در فرهنگ فارسی "بُرهان قاطع" آمده است: اَسبائبر نام شهری است که انوشیروان بنا کرد و طاق کسری را در آن شهر ساخت. اما طبق فرهنگ "مجمع الفرس"، اَسبائبر نام شهری بوده که کسری (خسرو پرویز) بنا کرد و طاق کسری در آنجاست و در اصل نام آن "اسفابور" بوده و "اسفانبر" نیز به آن گفته می شده.

<sup>۲</sup> نقش رُستم به مجموعه ای باستانی در ۶ کیلومتری تخت جمشید گفته می شود. "کعبه زرتشت" بنایی است سنگی و چهارگوش و پله دار که در این مجموعه قرار دارد.



گالوت" یا رهبر آوارگان یهودی اداره می شد. اما دیری نپائید که قباد، بیستمین پادشاه ساسانی او را شکست داد و بر روی پل ماحوزا اعدام نمود. به عقیده برخی از تاریخنگاران ماحوزه همان وه اردشیر است.

بنا بر شواهد تاریخی، آثار باقیمانده از آتشکده ها، کِنِشت ها (معابد یهودیان) و کلیساها در سکونتگاه های شهری و حومه های کلانشهر تیسفون نشان از آن دارند که ساکنان آن بزرگشهر نه تنها از زردشتیان، بلکه از یهودیان و مسیحیان نیز تشکیل می شده.<sup>۱</sup>

### بازسازی کاخ تیسفون

به باور بسیاری از تاریخنگاران و باستانشناسان، از میان پادشاهان ساسانی خسرو یکم (از ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی) معروف به خسرو آنوشه روان دادگر (انوشیروان عادل) و خسرو دوم (خسرو پرویز) بزرگترین و بیشترین سهم را در بازسازی و گسترش کاخ سلطنتی تیسفون داشته و بیش از دیگر شاهان ساسانی سبب شکوه و جلال چشمگیر آن شده اند.

فردوسی، حماسه سُرّای بزرگ ادب پارسی، ساختن کاخ تیسفون را به خسرو پرویز نسبت داده و داستان آنرا در ۹۳ بیت در شاهنامه<sup>۲</sup> حکایت کرده است. در اینجا تنها فرازهایی از آن داستان بلند و بالا آورده می شوند.

به گفته فردوسی خسرو برای انجام این کار سترگ سه هزار استاد بنای ورزیده در کار خشت و گچ را از ایران و روم و هند و چین و دیگر سرزمین ها فراخواند:

از ایوان خسرو کنون داستان	بگویم که پیش آمد از راستان <sup>۳</sup>
کنون از مداین سخن نو کنم	صفت های ایوان خسرو کنم
چنین گفت روشندل پارسی <sup>۴</sup>	که بگذاشت با کام دل چارسی <sup>۵</sup>
که خسرو فرستاد کس ها به روم	به هند و به چین و به آباد بوم
برفتند کاریگران سه هزار	ز هر کشوری آنک بُد نامدار

<sup>۱</sup> Dmftrij Bumazhnov: "Christians in Seleucia-Ctesiphon" SARA 1(2020-2021), pp. 95-112.

<sup>۲</sup> فردوسی سُرّایش شاهنامه را در حوالی سال ۹۸۰ میلادی آغاز نمود و نگارش نهائی آنرا در سال ۱۰۱۰ به پایان رسانید.

<sup>۳</sup> راستگویان

<sup>۴</sup> مردی آگاه از مردمان پارس

<sup>۵</sup> گذشته در چهارگوشه یا چهارسوی (جهان)

از ایشان هر آن کس که استاد بود ز خشت و ز گچ بر دلش یاد بود  
 آنگاه خسرو از میان آنها صد نفر را از میان رومیان و ایرانیان و اهوازیان برگزید و از بین آنان سی تن و از میان سی تن دو رومی و دو پارسی را گزین کرد:

چو صد مرد بیرون شد از رومیان ز ایران و اهواز وز هر میان

از ایشان دلاور گزیدند سی از آن سی دو رومی و دو پارسی

سپس خسرو از بین آنها به یک معمار رومی که نامش "فرعان" بود فرمان داد تا ایوان را برپا سازد:

گرانمایه رومی که بُد هندسی<sup>۱</sup> به گفتار بگذشت از پارسی

آنگاه خسرو از مهندس رومی خواست تا آنچنان جایگاهی برای او بسازد که تا دو بیست سال فرزندان و پیوستگان خاندان شاهی در آن زندگی کنند و آن بنا گزندی از باد و باران و آفتاب نبیند و ویران نگردد:

بدو گفت شاه این ز من در پذیر سخن هرچ گویم ز من یاد گیر

یکی جای خواهم که فرزند من همان تا دو صدسال پیوند من

نشیند بدو در نگرده خراب ز باران وز برف وز آفتاب

معمار رومی خواسته شاه را پذیرفت و آغاز به کار کرد. او نخست دیوار را با سنگ و گچ ساخت و سپس بر آن شد که رسن های باریکی از ابریشم بتابد و با آن دیوار را از بالا تا روی زمین اندازه گیری نماید:

مهندس پذیرفت ایوان شاه بدو گفت من دارم این دستگاه<sup>۲</sup>

ز سنگ و ز گچ بود بنیاد کار چنین باید آن کو دهد داد کار

بریشم بیاورد تا انجمن<sup>۳</sup> بتابند باریک تابی رسن

ز بالای آن تابه داده رسن بیموده<sup>۴</sup> در پیش آن انجمن

<sup>۱</sup> معمار

<sup>۲</sup> کارگاه و وسائل لازم برای انجام کار

<sup>۳</sup> کارگران

<sup>۴</sup> اندازه گیری شده

آنگاه معمار نتیجهء سنجش های خود را مهر و موم کرده و به خزانه دار شاه سپرد. شاه نیز برای بازدید به سوی دیوار رفت و دریافت که دیوار سر به آسمان کشیده بود:

رسن سوی گنج شهنشاه بُرد      ابا مُهر گنججور او را سپرد

وزان پس بیامد به ایوان شاه      که دیوار ایوان برآمد به ماه

آنگاه معمار به شاهنشاه خسرو گفت که اگر تو از من بخواهی که با شتاب کار را ادامه دهم، من این خواست ترا انجام ندهم، بلکه چهل روز صبر کنم چرا که کاری بس دشوار بر دوش گرفته ام:

چو فرمان دهد خسرو زود یاب      نگیرم برین کار کردن شتاب

چهل روز تا کار بنشینم      ز کاری گران شاه بگزینم

خسرو از معمار پرسید که چرا دست از کار برکشیده و زمان می خواهد و از او خواست از این کار خود شرم کند و بعد پنداشت که شاید او در انتظار دستمزد خود می باشد و از اینرو کار را فروگذارده. پس دستور داد تا سی هزار درم به او پردازند تا او دیگر افسرده و ملول نباشد و کار با شتاب بیشتری پایان دهد:

بدو گفت خسرو که چندین زمان      چرا خواهی از من تو ای بدگمان

نباید که داری ازین دست باز      به آزم بودن بیامد نیاز

بفرمود تا سی هزارش درم      بدادند تا او نباشد درم

معمار رومی که می دانست اگر شتاب کند دیوار فرورفتگی پیدا خواهد کرد و اگر هم در آنجا بماند خسرو بر او خشم خواهد گرفت، شبانه از محل کار خود گریخت و دیگر کسی او را ندید:

شب آمد بشد کارگر ناپدید      چنان شد کزان پس کس او را ندید

خسرو چون این بشنید سخت برآشفته و بر آورنده خبر خشم گرفت و جويا شد که چرا کسی را که دانش لازم نداشته مأمور ساختن ایوان کرده اند و خواست تا کارش را بررسی نمایند. آنگاه فرمان داد تا همه رومیان را به زندان بباندازند و بار دیگر گچ و سنگ و خشت فراوان فراهم آورند تا معمار و کارگران دیگری کار را به پایان رسانند:

چو بشنید خسرو که فرعان گریخت      بگوینده بر خشم فرعان بریخت

چنین گفت کان را که دانش نبود      چرا پیش ما در فزونی نمود

بفرمود تا کار او بنگرند  
همه رومیان را به زندان برند  
دگر گفت کاریگران آورید  
گچ و خشت و سنگ گران آورید

اما هر کس را برای پایان دادن کار برمی گزیدند تا دیوار را می دید فرار را بر قرار ترجیح می داد:

بجستند هر کس که دیوار دید  
ز بوم و بر شاه شد ناپدید

سه سال سپری شد و چه بسیار که از آن معمار چیره دست رومی یاد کردند تا سرانجام در سال چهارم او بازگشت. خبر به خسرو دادند و هنگامی که معمار با شتابان به نزد شاه آمد خسرو دلیل فرارش را از او پرسید و از او خواست تا برای کار ناشایسته اش پوزشی بیاورد. معمار در پاسخ گفت که اگر پادشاه کسی را همراه او به ایوان بفرستد دلیل کار خود را باز خواهد گفت و ارزش کارش روشن خواهد شد:

بسی یاد کردند زان کارجوی  
به سال چهارم پدید آمد او ای  
یکی مرد بیدار با فرّهی<sup>۱</sup>  
به خسرو رسانید زو آگاهی  
هم آنگاه رومی بیامد چو گرد  
بدو گفت شاه ای گنهکار مرد  
بگو تا چه بود اندرین پوزشت  
چه گفتی که پیش آمد آموزشت  
چنین گفت رومی که گر شهریار  
فرستد مرا با یکی استوار  
بگویم بدان کاردان پوزشم  
به پوزش بجا آید افروزشم

خواهش معمار پذیرفته شد و او را همراه با مردی دانا به سوی دیوار فرستادند. در آنجا او بلندای ایوان را اندازه گرفت و نشان داد که هفت رَش<sup>۲</sup> از بلندی آن کم شده بود. آنگاه مرد دانا نتیجه سنجش را به آگاهی شاه رسانید:

فرستاد و رفتند ز ایوان شاه  
گرانمایه استاد با نیکخواه  
همی برد دانای رومی رَسَن  
همان مرد را نیز با خویشان  
به پیمود بالای کار و برَش  
کم آمد ز کار از رَسَن هفت رَش  
رَسَن باز بردند نزدیک شاه  
بگفت آنک با او بیامد به راه

<sup>۱</sup> بزرگ و دانا

<sup>۲</sup> از آرنج تا سر انگشتان

آنگاه معمار به خسرو گفت که اگر کار ایوان را در آن زمان ادامه می داد دیوار نشست می کرد و به دنبال آن طاق فرو می ریخت، و اگر او از نظر دور می داشت آنگاه نه از طاق اثری به جای می ماند و نه از خود او. خسرو چون این گفته ها را شنید و راستی آنرا دریافت فرمان داد تا رومیان را از بند آزاد کرده و به آنها هدایا دادند خود نیز به معمار کیسه ای پُر از درهَم بخشید:

چُنین گفت رومی که از زخم کار	بر آوردمی بر سر ای شهریار
نه دیوار ماندی نه طاق و نه کار	نه من ماندمی بر در شهریار
بدانست خسرو که او راست گفت	کسی راستی را نیارد نَهفت
رها کرد هر کو به زندان بُدند	بد اندیشگر بی گزندان بُدند
مر او را یکی بدره دینار داد	به زندانیان چیز بسیار داد

پس از هفت سال، کار ساختمان ایوان به پایان رسید و خسرو پرویز را از آن بسیار خوش آمد. او به معمار رومی آفرین ها گفت و هدایای فراوانی از آب و زمین گرفته تا سکه به او ارزانی داشت:

چو شد هفت سال آمد ایوان بجای	پسندیده خسرو پاک رای
مر او را بسی آب داد و زمین	درم داد و دینار و کرد آفرین

### نقش تاریخی کاخ تیسفون

کاخ تیسفون در تمامی دوران فرمانروایی پادشاهان ساسانی محل برگزاری دید و بازدیدهای درباریان و مجالس بار عام و بار خاص و همچنین پذیرش و پذیرایی از نمایندگان و فرستادگان کشورهای بیگانه، و به ویژه برگزاری جشن های باستانی ایرانیان مانند جشن نوروز بود که دستکم شش روز طول می کشید و به دو دوره "نوروز کوچک" و "نوروز بزرگ" تقسیم می شد. نوروز کوچک در پنج روز پایان سال گرامی داشته می شد و نوروز بزرگ با شکوه بسیار در نخستین روز ماه بهار سال نو با حضور پادشاه برگزار می گردید.

در این روز اعیان و اشراف و نیز اقشار گوناگون کشور در بیرون از ایوان در پس پرده ای صف می کشیدند و در درون ایوان فراخور هر یک از آنها نشستگاهی ساخته شده بود. پس از انجام مراسم ویژه ای پرده به کنار کشیده می شد و شاهنشاه ایران که با شکوه و جلال خاص خود روی تخت پادشاهی قرار جلوس کرده بود پدیدار می شد تا باشندگان را بار دهد. در بالای سر او و از سقف طاق زنجیری از طلا آویزان بود و تاج پُر از نگین و سنگین شاهی

به گونه ای به آن آویخته شده بود که بالای سر پادشاه قرار می گرفت. عظمت و شکوه و زیبایی این منظره حیرت بازدیدکنندگان را بر می انگیخت و زبانزد همگان بود. باز به گفته فردوسی:

کس اندر جهان خَم (طاق) چونان ندید	نه از نامور کاردانان شنید
یکی حلقه ای بُد ز زر ریخته	از آن چرخ کار اندر آویخته
فروشته زو سرخ زنجیر زر	به هر مُهره ای درنشانده گهر
چو رفتی شهنشاه بر تخت عاج	بیاویختندی به زنجیر تاج
به نوروز چون برنشستی به تخت	به نزدیک او موبد نیکبخت
فروتر ز موبد مِهان را بُدی	بزرگان و روزی دهان را بُدی
به زیر مِهان جای بازاریان	بیاراستندی همه کاریان
فرومایه تر جای درویش بود	کجا خوردش از کوشش خویش بود

آنگاه شاه بینوایان و درویشان را مورد مهر خود قرار می داد و به آنان یاری می رساند:

به ارزانیان جامه‌ها داد نیز	ز دیا و دینار و هرگونه چیز
هر آنکس که درویش بودی به شهر	که او را نبودی ز نوروز بهر
به درگاه ایوانش بنشانند	درم های گنجی بر افشانند

یک هنرمند نقاش اسپانیایی به نام خوآن فرانچسک اُلوار پائِرولس<sup>۱</sup> با الهام گیری از منابع بیزانسی (رُم شرقی) و اسلامی خسروپرویز را به هنگام بار عام در جشن نوروز به تصویر کشیده که در شکل ۷ دیده می شود:

<sup>۱</sup> Joan Francesc Oliveras Pallerols



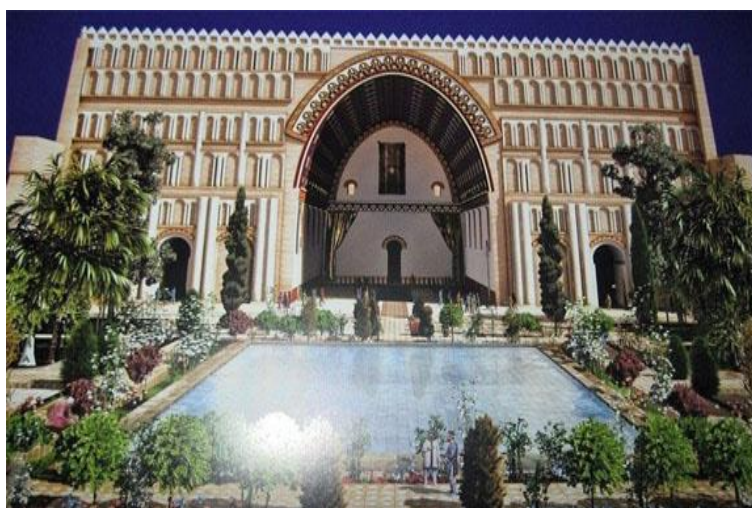
شکل ۷: خسرو پرویز به هنگام نوروز<sup>۱</sup>

این هنرمند اسپانیایی می نویسد:

«خسرو پرویز شاهنشاه امپراتوری ایران ساسانی که از سال ۵۹۰ تا ۶۲۸ پس از میلاد بر تخت سلطنت نشست، طبق منابع بیزانسی و اسلامی دارای دستگاهی بود که با استفاده از یک مکانیسم پیچیده کیهان و حرکات ستارگان و خورشید و ماه را شبیه سازی می کرد و من آنرا در پشت سر او نشان داده ام. تاج او با زنجیر آویزان شده بود، زیرا پادشاهان ساسانی تاج های بسیار سنگینی داشتند که گردنشان نمی توانست وزن آنها را تحمل کند. خسرو بر اساس روایات اسلامی از پیروان آیین زرتشتی بود و دعوت محمد را که از او می خواست تسلیم اسلام شود، نپذیرفت و نامه محمد را پاره کرد. هنگامی که محمد از پاسخ خسرو آگاه شد، وعده نابودی امپراتوری او را داد و پنج سال پس از مرگ خسرو حمله مسلمانان به ایران آغاز شد و یزدگرد سوم، نوه خسرو و آخرین پادشاه سلسله ساسانی شکست خورد.»

به نظر برخی از باستانشناسان کاخ تیسفون می باید در دوران درخشش و شکوفایی خود آنگونه بوده باشد که شکل ۸ تصویری از آن به دست می دهد.

<sup>۱</sup> <https://www.pinterest.com/pin/847873067373886975>



شکل ۸: دو نمای خیالی از بیرونی کاخ تیسفون در دوران شکوفایی ساسانیان<sup>۱</sup>

قالی مشهور به "فرش بهارستان" نیز که در زمان خسرو پرویز دستباف شده بود، در کف راهروی ورودی این کاخ پهن و زینت بخش آن تالار بود. در بافت آن فرش از ابریشم و زر و سیم و گلابتون و گهرهایی چون مروارید و

<sup>۱</sup> <https://www.pinterest.com/pin/36099234505583498/>



زُمرُد استفاده شده بود، به گونه ای که منظره یکی از باغ های بهشت را در خیال تماشاگران بر می انگیخت. خسرو پرویز می خواست که این فرش در فصل زمستان و سرما هم او را یادآور باغ های بهشت باشد تا به هنگام شراب نوشی دلش به بهار خوش باشد. از اینرو به این فرش "بهار خسرو" نیز می گفتند. به گفته تاریخنگار نامدار ایرانی محمد جریر طبری (۹۲۳-۸۳۹ میلادی) طول فرش بهارستان ۴۵۰ قدم (۱۴۰ متر) و عرض آن ۹۰ قدم (۲۷ متر) بوده است.

### افسانه شکاف برداشتن طاق کسرا

یکی از افسانه های مشهور، ادعائی است از سوی برخی از منابع اسلامی مبنی بر اینکه: "شبی که محمد، رسول خدا به دنیا آمد ایوان کسری شکاف برداشت و شکست و چهارده کنگره آن فرو ریخت." این افسانه به زعم بسیاری از مسلمانان متعصب از شمار معجزات پیامبر است و یکی از نخستین کسانی که این حکایت را ذکر کرده، شهرمدان بن ابی الخیر رازی است که از دانشوران سده یازدهم میلادی بود. او بین سال های ۱۰۹۷ و ۱۱۰۲ میلادی یکی از نخستین کتاب ها درباره علوم طبیعی را به نام "نزهت نامه علایی"<sup>۱</sup> به زبان پارسی و به صورت دائرة المعارفی درباره موضوعات مختلف علمی و ادبی و تاریخی تدوین تألیف کرد و آنرا به علاءالدوله، یکی از امیران خاندان کاکویان<sup>۲</sup> اهدا نمود.

حدود صد و پنجاه سال بعد، سعدی نیز در کتاب "بوستان" خود، که آنرا در سال ۱۲۵۷ میلادی به پایان رسانید، در ستایش خود از پیامبر از دو معجزه نام برد که یکی از آنها شکافتن ماه با شمشیر (شَقَّ الْقَمَر) و دیگری شکاف انداختن در طاق کسرا بوده است:

چو عزمش بر آهیخت شمشیر بیم      به معجز میان قمر زد دو نیم

چو صییش در افواه دنیا فتاد      تزلزل در ایوان کسری فتاد

بگفته او، چون پیامبر تصمیم به ترساندن مُشرکان گرفت با شمشیر خود ماه را به دو نیم تقسیم کرد، و وقتی هم شهرتش عالمگیر شد، ایوان مدائن شکافتن گرفت، و این نشانی بود از زوال زودآمد قدرت ساسانیان. هنوز هم بسیاری از مسلمانان دوآتشه بر این باورند که شکاف برداشتن طاق کسرا به هنگام زاده شدن پیامبر، نوعی پیشگویی بوده است از حمله اعراب به ایران و پیروزی آنها بر ساسانیان.

<sup>۱</sup> این کتاب در سال ۱۳۵۶ توسط فرهنگ جهانپور و از سوی بنیاد فرهنگ ایران در ۵۷۳ صفحه منتشر شد.

<sup>۲</sup> کاکویان یا آل کاکویه دودمانی دیلمی بودند که در مناطق باختری ایران روی کار آمدند و تابع پادشاهان سلجوقی بودند.

### حملة اعراب و فتح تیسفون

حملة اعراب به ایران که سرانجام منجر به فروپاشی امپراتوری ساسانی و اشغال بخش های بزرگی از ایرانزمین به دست مسلمانان عرب گردید، اصطلاحاً به مجموعه حملاتی گفته می شود که در قرن هفتم میلادی از سال ۶۳۳ میلادی در زمان خلافت ابوبکر (از ۶۳۲ تا ۶۳۴) آغاز شدند، در دوران خلافت عُمر (از ۶۳۴ تا ۶۴۴) به اوج خود رسیده و در زمان عثمان (از ۶۴۴ تا ۶۵۶) منتهی به سقوط کامل دولت ساسانی در سال ۶۵۱ میلادی شدند.

فتح تیسفون به دست اعراب مسلمان در سال ۶۳۷ میلادی صورت گرفت. در این سال خلیفه عُمر سپاهی به فرماندهی سردار عرب سعد بن ابی وقاص (۵۹۵-۶۶۴) به سرزمینی که امروز کشور عراق نام دارد گسیل داشت و مسلمانان توانستند پس از نبردی سخت سپاه ساسانیان شکست داده و آنها از آن سرزمین بیرون رانند. این جنگ که در محلی به نام قادسیه صورت گرفت و به همین جهت به "نبرد قادسیه" معروف گشت، تنها چهار روز به طول انجامید و با کشته شدن رستم فرخزاد و بهمن جادویه فرماندهان لشگریان ایران پایان یافت و تیسفون پس از فرار خانواده سلطنتی ساسانی و بسیاری از اعیان و اشراف آنجا، در ماه مارس آن سال به تصرف اعراب درآمد. در این جنگ بود که پرچم ایران "دَرَفَش کاویانی" (شکل ۹) نیز همراه با جواهرات آویخته به آن به دست مسلمانان افتاد.



شکل ۹: درفش کاویانی

درفش کاویانی که با قیام کاوه آهنگر علیه ضحاک ماردوش پدید آمد، عبارت بود از پیشبند چرمی کاوه که بر سر نیزه ای چوبین آویزان و روی آن چلیپایی به شکل یک ستاره نقش شده بود. از این درفش چهار شُرابه به رنگ های سرخ و زرد و بنفش کبود آویزان بودند. در دوران شاهنشاهی ساسانیان نیز پرچمی شبیه به درفش کاویانی از پوست پلنگ یا شیر که جواهرات گرانبهائی به آن آویزان بود نقش پرچم ارتش ایران را بازی می کرد.

پس از پیروزی اعراب مسلمان بر سپاهیان و نیروهای نظامی ساسانیان و هجوم آنان به سرزمین ایران، کلانشهر تیسفون که نزدیک به هشتصد سال کانون فرهنگ و تمدن ایرانی بود و کاخ بی نظیر آن که از برجسته ترین یادگارها از دوران اشکانیان و ساسانیان به شمار می رفت و همچنین "کاخ سپید" همگی تسخیر و غارت شدند و به تاراج رفتند. در جریان فتح کاخ تیسفون، خزاین گرانبهائی آن، از جمله تاج خسرو پرویز، دیبای زربفت و مرصع به جواهر، جامه، زره و شمشیر او که همگی جواهر نشان بودند به دست فاتحان عرب افتادند. فرش بی نظیر

بهارستان نیز به نزد عُمَر فرستاده شد و او آنرا تکه تکه کرده و میان مهاجرین<sup>۱</sup> و انصار<sup>۲</sup> پخش نمود.<sup>۳</sup> همچنین پرده های مُجَلَّل و گوهرنشانی که در کاخ تیسفون آویزان بودند به دست سپاهیان عرب قطعه قطعه شده و به غارت رفتند.

### حکمرانان تیسفون

اعراب پس از فتح تیسفون، آن کلانشهر را در آغاز "مدائن سَبَعَه" (مدینه ها یا شهرهای هفتگانه) نامیدند و بعدها تنها به گفتن "المدائن" بسنده کردند. کاخ تیسفون را نیز "ایوان مدائن" یا "طاق کسری"<sup>۴</sup> نام نهادند.

سعد بن ابی وقاص پیش از اینکه خلیفه عُمَر حکمرانی را برای مدائن انتخاب کند به مدت یک سال فرمانداری کلانشهر تیسفون را بر عهده گرفت. آنگاه عُمَر حذیقَه بن یمان، یکی از نخستین اسلام آورندگان و صاحب سِرَّان<sup>۵</sup> را به فرمانداری مدائن منصوب نمود، اما کمی بعد او را از این سمت عزل و سلمان فارسی (۵۶۸-۶۵۳ میلادی)، صحابی مشهور<sup>۶</sup> را به عنوان فرماندار مدائن انتخاب کرد و او تا لحظه وفاتش به این سمت باقی ماند.

سلمان فارسی که یکی از مرموزترین چهره های جهان اسلام به شمار می رود، پسر یکی از بزرگ‌گراگان و زمینداران ایرانی زردشتی مذهب بود و پیش از مسلمان شدن به گفته ای "روزبه خوشنودان" و به گفته دیگری "فیروزان" نام داشت. او چندی در شام<sup>۷</sup> و موصل و نصیبین<sup>۸</sup> در آمد و شد بود تا اینکه در یکی سفرهایش به دست گروهی از

<sup>۱</sup> "المهاجرون" به آن دسته از یاران محمد می گویند که ساکن مکه بودند و با او به مدینه مهاجرت کردند.

<sup>۲</sup> "الانصار" ساکنان شهر یثرب (مدینه) و اطراف آن بودند که به پیامبری محمد ایمان آورده و مسلمان شدند.

<sup>۳</sup> در "تاریخ کامل" ("الکامل فی التاریخ") نوشته عزالدین ابن اثیر (۱۲۳۳-۱۱۸۶ میلادی) تاریخنگار عرب آمده است که بهترین تکه از آن فرش نصیب علی شد و او آنرا به بیست هزار دینار بفروخت. (جلد چهارم، ترجمه حسین روحانی، برگ ۱۴۳۷).

<sup>۴</sup> "کسری" (تلفظ: کسرا) همان نام "خسرو" به آهنگ و لهجه عربی است. اعراب از پادشاهان ساسانی با این لقب نام می بردند. فردوسی نیز در شاهنامه بارها خسرو انوشیروان ساسانی را کسری نامیده است: «چو کسری نشست از بر تخت عاج / به سر بر نهاد آن دل افروز تاج»

<sup>۵</sup> صاحب سِرَّان اشخاصی بودند که پیامبر برخی از اخبار غیبی و یا معارف الهی را با آنها در میان می گذاشت.

<sup>۶</sup> صحابه به مسلمانانی گفته می شد که پیامبر را به چشم خود دیده و تا پایان عمر نیز به او ایمان داشتند. شمار این گونه افراد را بیش از ۱۰۰ هزار نفر حدس می زنند.

<sup>۷</sup> در تاریخ جغرافیای اسلام "شام" یا "شامات" به منطقه ای گفته می شود که کشورهای کنونی سوریه، اردن، لبنان، اسرائیل، فلسطین و قبرس و همچنین بخش هایی از جنوب ترکیه امروزی و نیز شرق مصر را در بر می گرفت. دمشق و انطاکیه و حلب از شهرهای مهم این سرزمین بودند که در زمان ابوبکر ضمیمه قلمرو اسلام گشت. شهر دمشق در تمام مدت خلافت بنی امیه (از ۶۶۱ تا ۷۵۰ میلادی) مرکز خلافت اسلامی بود.

<sup>۸</sup> نصیبین شهری قدیمی و مرزی بود که اکنون در جنوب ترکیه قرار دارد. این شهر در زمان ساسانیان از دژهای مهم ایران به شمار می رفت و ده ها هزار ایرانی در آنجا سکونت داشتند.

اعراب از قبیله بنی کلب به بردگی و بندگی گرفته شد. اما کمی بعد محمد او را خرید و آزاد نمود و این برده آزاد شده پس از اسلام آوردن به خاطر دانش و اطلاعات گسترده اش از مشاوران بسیار نزدیک ارباب خود گردید. قبر سلمان فارسی در مدائن و در نزدیکی بغداد است و به نام "سلمان پاک" شهرت دارد.

پس از مرگ سلمان، حذیفه بن یمان بار دیگر فرماندار مدائن شد و تا زمان خلیفه بعدی یعنی عثمان و بخشی از دوران خلافت علی (از ۶۵۶ تا ۶۶۱ میلادی) در این سمت باقی ماند تا زمانی که فوت کرد. پس از وی علی ابتدا یکی از کارگزاران خود را به نام یزید بن قیس ارجبی به حکومت مدائن منصوب نمود و کمی بعد یکی دیگر از دستیارانش یعنی سعید بن منصور ثقفی را فرماندار مدائن نمود و این شخص تا دوران امام حسن فرزند علی بر این منصب باقی ماند. از این پس بر اساس برخی از گزارش های تاریخی دو سه تن عرب دیگر عهده دار حکومت مدائن شدند.

### نخستین کوشش ها برای ویرانسازی ایوان مدائن

هنگامی که دومین خلیفه عباسی ابوجعفر منصور (خلافت از ۷۵۴ تا ۷۷۵ میلادی)، مشهور به منصور دوانیقی<sup>۱</sup>، در سال ۷۵۵ میلادی تصمیم گرفت تا در نزدیکی تیسفون پایتخت جدیدی به نام "مدینه السلام" پایه ریزی کند (که بعد بغداد نام گرفت) به این فکر افتاد که با تخریب کاخ تیسفون و استفاده از سازه های آن مصالح مورد نیاز را تأمین نماید و از این طریق نه تنها هزینه های سنگین بنای شهر جدید را تقلیل دهد، بلکه آخرین آثار و نشانی های فرهنگ و تمدن ایرانی را نابود سازد. گفته می شود که پیشنهاد ویران ساختن کاخ تیسفون از سوی یکی از وزیران او به نام ابویوب سلیمان موریانی خوزی (سال وفات ۷۷۰) که ایرانی و اهل خوزستان بود، به او داده شد.<sup>۲</sup> اما خالد برمکی (۷۰۸-۷۸۲)، وزیر دیگر خلیفه که یک ایرانی دانشمند و دورانیش و ایران دوست بود، منصور را از این کار بازداشت و گوشزد نمود که هزینه ویران کردن کاخ بسیار سنگین تر از سودش خواهد شد. منصور توجهی به هشدار خالد نکرد و دستور ویران کردن ساختمان تیسفون را صادر نمود. ولی هزینه های تخریب بخشی از ساختمان

<sup>۱</sup> منصور شخصی بسیار خسیس بود و زمانی که مرد ۹۶۰ میلیون سکه از خود برجای گذاشت. او به خاطر خست بسیارش به "دوانیقی" شهرت یافته بود. دوانیق جمع شکسته و عربی "دانق" و این لغت مُعَرَّب واژه پارسی "دانه" است که در این رابطه به معنای "خرده بین" می باشد.

<sup>۲</sup> در کتاب "تجارب السلف" که در حدود سال ۱۳۲۳ میلادی توسط یک تاریخنگار ایرانی به نام هندوشاه نخجوانی درباره خلفا و وزیران اسلامی تا برجیده شدن خلافت عباسیان نوشته شده، چنین آمده است: «این ابویوب الموریانی که سبب تحریک منصور برای تخریب ایوان خسرو شد، مردی بود خسیس و جهد داشت مال فراوانی جمع کند تا خود را به منصور نزدیک سازد. موریانی سیصد هزار درهم از منصور برای عمران مزرعه ای در اهواز دریافت کرد ولی عمارتی نکرد. دشمنان از این ماجرا منصور را واقف ساختند و خلیفه شخصاً به تحقیق پرداخت و چون معلوم شد که موریانی خیانت نموده امر داد تا او و تمامی اقارب او را کشتند و اموال او را برداشتند.» (رجوع شود به مقاله فرهاد نظری "از تخریب تعدی طاق کسری تا تخریب امروزی میراث تاریخی"، روزنامه شرق ۲ آوریل ۲۰۱۵).

های اطراف ایوان مدائن و انتقال مصالح آن بزودی آنچنان سنگین از آب درآمدند که خلیفه از اقدام خود پشیمان شد و دست از خراب کردن باقیمانده کاخ تیسفون برداشت. به گفته دیگر، کارکنان او از خراب کردن کاخ مستحکم تیسفون عاجز و شرمنده ماندند.<sup>۱</sup> سرانجام این بنا در سال ۹۰۳ میلادی به دستور ابو عبدالله الْمُتَفَتی سی و یکمین خلیفه عباسی (از ۱۱۳۶ تا ۱۱۶۰) به میزان گسترده ای ویران شد و از بقایای آن برای ساخت کاخی به نام "قصر التاج" (کاخ تاج) در شرق بغداد و کرانه رود دجله استفاده شد. وسعت قصر التاج آنچنان بود که به گفته برخی از تاریخنگاران نه هزار رأس اسب و آستر (قاطر) و شتر که همگی متعلق به الْمُتَفَتی بودند در اصطبل های آن نگهداری می شدند. لیکن چندی بیش طول نکشید که در سال ۱۱۵۴ و در زمان حیات همان خلیفه این قصر طعمه آتشی هولناک ناشی از صاعقه شده و پس از نه شبانه روز سوختن به تلی از خاکستر تبدیل گردید.

### توصیفی شاعرانه از بُختری

چنین به نظر می آید که کوشش های آغازین خلیفه منصور برای ویران ساختن کاخ تیسفون نتوانست آسیب چندان چشمگیری به عظمت و شکوه و نقش و نگارها و تزئینات دیواری آن قصر وارد آورد، زیرا شاعر پُر آوازه عرب بو عباده بُختری (۸۲۲-۸۹۹ میلادی)، پس از دیدار آن کاخ، چکامه زیبا و گویائی شامل پنجاه و شش بیت به نام "قصیده سینه" در وصف جلال و عظمت آن سرود که ابیات آغازین آن چنین هستند:

نقش و نگار دیوارهای کاخ را ببین

تا به چگونگی نبرد ایرانیان با رومیان در انطاکیه پیبری

آنجا که انوشیروان پوششی سبزرنگ

گراینده به رنگ زرد زعفرانی بر تن دارد

و باشکوه و جلال به آرامی

در زیر درفش کاویانی سپاه خود را سان می بیند

کاخ خسرو چندان شکوهمند و سربلند است

<sup>۱</sup> در زمان صفویه نیز کوشش هائی صورت گرفتند تا با تخریب باقیمانده های ایوان مدائن از مصالح ساختمانی که در آنجا به کار رفته بودند، در مکان های مقدس شیعه در عراق استفاده کنند که به دلایلی این ویرانسازی انجام نپذیرفت.

که گویی کوهی سرفراز در آنجا قرار دارد<sup>۱</sup>

بُختری در قصیده بلند خود قدرت و خلاقیت معماران و سازندگان کاخ را نیز ستوده و یادآور می‌شود که چنان بنای عظیم و سر به فلک کشیده ای تنها به دست انسان های دانا و توانائی چون ایرانیان می‌توانست برپا گردد. اهمیت این قصیده به ویژه زمانی روشن می‌شود که ضدیت شدید اعراب آن دوران نسبت به ایران و ایرانی را به یاد آورد.

### قصیده خاقانی

حکیم و شاعر و قصیده پرداز پُرآوازه ایران خاقانی شروانی (۱۱۹۰-۱۱۲۰) نیز، که شاعر نامدار نظامی گنجوی (۱۱۴۱-۱۲۰۹) درباره اش سروده: «همی گفتم که خاقانی دریغا گوی من باشد / دریغا من شدم آخر دریغا گوی خاقانی»، در جوانی از ایوان مدائن دیدن کرد. لیکن او، بر خلاف بُختری، خرابه هائی بیش از آن کاخ عظیم ندید. خاقانی<sup>۲</sup> جوان در سال ۱۱۵۱/۵۲ میلادی هنگام بازگشت از سفر حج گذری از ایوان مدائن انداخت و "لب رود دجله به مدائن منزل" کرد. اکنون دیگر از شکوه و جلال کاخی که زمانی سر به آسمان داشت و شاهان سر به زیر آن، اثری جز ویرانه های دیده نمی‌شد و بر گنگره های آن قصر پُر افتخار فاخته ها آوای کو؟ کو؟ سر می‌دادند. این منظره دردناک آنچنان روح و روان شاعر جوان و حساس را آزرده کرد که در جا یکی از سوزناکترین و عبرت‌انگیزترین چکامه های ادب پارسی را سرودن گرفت که شاید بتوان امروزه آنرا مشهورترین قصیده<sup>۳</sup> زبان فارسی بشمار آورد.

"قصیده ایوان مدائن" ۴۲ بیت در بر دازد و محتوای اندوهبار و پند آمیز آن شکوه و شکایت از عظمت گذشته و از دست رفته ایران است.<sup>۴</sup> خاقانی "دل عبرت بین" می‌طلبد تا ایوان مدائن را "آئینه عبرت" بداند و می‌خواهد که آن "دل عبرت بین" از دیده همچون رود دجله بر ویرانه های مدائن اشک بفشاند.

<sup>۱</sup> "قصیده بُختری و ترجمه آن به نثر در وصف ایوان کسری"، علی اصغر حریری، مجله وحید، فروردین ۱۳۵۰، دوره نهم، شماره یکم (پیاپی ۳۳)، صفحات ۱ تا ۱۰

<sup>۲</sup> تخلص خاقانی در ابتدا "حقایقی" بود. پس از آن که او به خاقان اکبر منوچهر شروانشاه پیوست تخلص خود (خاقانی) را از نام او برگزید.

<sup>۳</sup> قصیده یک قالب شعری است که در آن مصرع یا نیم بیت اول با مصرع های زوج هم قافیه است. از آن جا که خوانش و درک برخی از نکات پیچیده قصیده خاقانی می‌تواند برای برخی از خوانندگان دشوار باشد، توضیحات کوتاهی در موارد لازم به صورت زیرنوشت داده شده است.

<sup>۴</sup> این قصیده به زبان انگلیسی ترجمه شده و همراه با توضیحات به چاپ رسیده است. رجوع شود به:

David Martin: "At the Palace of Ctesiphon: A Qaseeda of Khaaqaani", Comitatus: A Journal of Medieval and Renaissance Studies, 12(1), 1981-10-01, pp. 54-60.

هان ای دلِ عبرت بین از دیده عِبَر<sup>۱</sup> کن هان  
یک ره ز لبِ دجله منزل به مدائن کن  
خود دجله چنان گرید صد دجله خون گویی  
بینی که لبِ دجله چون کف به دهان آرد  
از آتشِ حسرت بین بریان جگرِ دجله  
بر دجله گری نو نو وز دیده زکاتش ده  
گر دجله در آمیزد بادِ لب<sup>۲</sup> و سوزِ دل  
تا سلسله ایوان<sup>۳</sup> بگسست مدائن را  
گه گه به زبانِ اشک آواز ده ایوان را  
دندانۀ هر قصری پندی دهدت نو نو  
گوید که تو از خاکی ما خاک توایم اکنون  
از نوحه جُغد الحَق<sup>۴</sup> ماییم به دردِ سر  
آری چه عجب داری کاندرا چمنِ گیتی

ایوانِ مدائن را آئینه عبرت دان  
وز دیده دُومِ دجله<sup>۵</sup> بر خاکِ مدائن ران  
کز گرمیِ خونابش آتش چکد از مژگان  
گویی ز تَف<sup>۶</sup> آهش لب آبله<sup>۷</sup> زد چندان  
خود آب شنیدستی کآتش کُندش بریان  
گرچه لبِ دریا هست از دجله زکاتِ استان<sup>۸</sup>  
نیمی شود افسرده نیمی شود آتشدان  
در سلسله شد دجله چون سلسله شد پیچان<sup>۹</sup>  
تا بو که به گوشِ دل پاسخ شنوی ز ایوان  
پندِ سرِ دندانۀ بشنو ز بُنِ دندان<sup>۱۰</sup>  
گامی دو سه بر ما نه و اشکی دو سه هم بُشان  
از دیده گلابی<sup>۱۱</sup> کن، دردِ سرِ ما نشان  
جغد است پی بلبل نوحه ست پی الحان

<sup>۱</sup> جمع عبرت: پندها

<sup>۲</sup> رودی از اشک همچون دجله دومی

<sup>۳</sup> حرارت، گرمی

<sup>۴</sup> تب خال

<sup>۵</sup> چون رود دجله به دریا می ریزد پس دریا ستاننده زکات است.

<sup>۶</sup> نسیم خنک ساحل رود

<sup>۷</sup> اشاره به زنجیر عدل و دادخواهی انوشیروان

<sup>۸</sup> اشاره به این که رود دجله در درازای زمان همچون زنجیری مسیر خود را تغییر داده.

<sup>۹</sup> با گوش جان، از صمیم دل

<sup>۱۰</sup> مرغِ حق، یکی از کوچکترین انواع جغد. نام های دیگر: مرغِ حقگو، مرغِ شباهنگ و چوک

<sup>۱۱</sup> در گذشته ها گلاب را علاج درد سر می دانستند.



ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما  
 بر قصرِ ستمکاران تا خود چه رسد خذلان<sup>۱</sup>

گویی که نگون کردست ایوانِ فلک و ش<sup>۲</sup> را  
 حکمِ فلکِ گردان یا حکمِ فلکِ گردان<sup>۳</sup>

بر دیده من خندی کاینجا ز چه می گرید  
 خندند بر آن دیده کاینجا نشود گریان

نی زالِ مدائن<sup>۴</sup> کم از پیرزنِ کوفه<sup>۵</sup>  
 نه حجره تنگِ این کم تر ز تنورِ آن

دانی چه مدائن را با کوفه برابر نه  
 از سینه تنوری کن وز دیده طلب طوفان

این است همان ایوان کز نقشِ رخِ مردم  
 خاکِ درِ او بودی دیوارِ نگارستان<sup>۶</sup>

این است همان درگه کو را ز شهان بودی  
 دیلم<sup>۷</sup> ملکِ بابل، هندو<sup>۸</sup> شه ترکستان

این است همان صُفّه<sup>۹</sup> کز هیبتِ او بُردی  
 بر شیرِ فلک<sup>۱۰</sup> حمله شیرِ تنِ شادروان<sup>۱۱</sup>

پندار همان عهد است از دیده فکرت بین  
 در سلسله درگه در کوکبه میدان

از اسب پیاده شو بر نطع<sup>۱۲</sup> زمین رُخِ نه  
 زیرِ پیِ پیلش بین شه مات شده نُعمان<sup>۱۳</sup>

<sup>۱</sup> خواری و درماندگی

<sup>۲</sup> به عظمت و بلندی فلک

<sup>۳</sup> آفریدگار

<sup>۴</sup> پیرزنی که کلبه اش می بایست برای ساختن ایوان مدائن خراب می شد لیکن به علت پافشاری او کلبه را خراب نکردند و دیوار کاخ با کجی از کنار آن گذشت.

<sup>۵</sup> پیرزنی ساکن کوفه که طوفان نوح از تنور خانه او برخاست لیکن ضرری به او وارد نیامد.

<sup>۶</sup> پر نقش و نگار

<sup>۷</sup> غلام

<sup>۸</sup> دربان

<sup>۹</sup> خانه تابستانی سایه دار

<sup>۱۰</sup> صورتِ فلکی آسَد

<sup>۱۱</sup> پرده آویزان در جلوی شاهان با طرح هائی از حیوانات

<sup>۱۲</sup> سفره چرمین

<sup>۱۳</sup> نُعمان ابن مُنذر (۶۰۲-۵۸۰ میلادی) آخرین پادشاه سلسله لُخمی ها در حیره و والی یکی از استان های مرزی ایران. او به فرمان خسرو پرویز زیر پای فیلان کشته شد. در این بیت خاقانی اجزای بازی شطرنج یعنی اسب، پیاده، پیل، رخ، شاه و اصطلاح "مات" را یکجا آورده است.

نی نی که چو نَعْمَانِ بِنِ پیلِ افکنِ شاهان را  
 ای بس شه پیلِ افکنِ کافکنَد به شه پیلی  
 مست است زمینِ زیرِ خورَدست به جای می  
 بس پند که بود آنکه بر تاجِ سرش پیدا  
 کسری و تُرنجِ زر<sup>۳</sup>، پرویز و به زَرین<sup>۴</sup>  
 پرویز به هر خوانی زَرینِ تره گسترده  
 پرویز کنون گم شد زان گمشده کمتر گو  
 گفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک  
 بس دیر همی زاید آبتنِ خاک آری  
 خونِ دلِ شیرین<sup>۹</sup> است آن می که دهد رَزْزُبِن  
 چندین تنِ جَبَّاران کاین خاک فرو خوردست  
 از خونِ دلِ طفلانِ سرخابِ رخ آمیزد

پیلانِ شب و روزش گشته به پیِ دوران  
 شطرنجیِ تقدیرش در مات گه حرمان  
 در کاسِ سرِ هُرْمُز<sup>۱</sup> خونِ دلِ نُوشِروان  
 صد پندِ نو است اکنون در مغزِ سرش پنهان  
 بر باد شده یکسر با خاک شده یکسان  
 کردی ز بساطِ زر زَرینِ تره را بستان  
 زَرینِ تره کو برخوان<sup>۵</sup> رو کم ترکوا<sup>۶</sup> برخوان<sup>۷</sup>  
 ز ایشان شکمِ خاک است آبتنِ جاویدان<sup>۸</sup>  
 دشوار بود زادن، نطفه سِتْدَنِ آسان  
 ز آب و گِلِ پرویز است آن خُم که نهد دهقان  
 این گرسنه چشمِ آخر هم سیر نشد ز ایشان  
 این زالِ سپید ابرو وین مامِ سیه پستان<sup>۱۰</sup>

<sup>۱</sup> پیش از انوشیروان سه تن از پادشاهان ساسانی با نام هرمز سلطنت کردند.

<sup>۲</sup> بر روی تاج بزرگ و زرین انوشیروان که با زنجیری از سقف بر روی سر او آویزان بود پنجه‌های بسیاری نوشته شده بودند.

<sup>۳</sup> خسرو انوشیروان تُرنجی از زر ساخته بود که آنرا در دست می گرفت و می گرداند.

<sup>۴</sup> خسرو پرویز فرمان داده بود که انواع میوه‌ها و تره‌بارها را از زر بسازند و روی سفره او بگذارند.

<sup>۵</sup> سفره

<sup>۶</sup> آیه ۲۵ از سوره دُخان قرآن. در این سوره آمده است: «چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌ها و کشت‌ها و جایگاه‌های عالی و نعمت‌هایی که در آنها بودند به جای گذاشتند (و رفتند).» گفته می‌شود هنگامی که سعد بن ابی وقاص پیروزمندانه وارد کاخ تیسفون شد، برای سپاسگزاری هشت رکعت نماز گزارد و آیه کَم تَرَکُوا مِنْ جَنَاتٍ وَ عُیُونٍ را برخواند.

<sup>۷</sup> فعل امر: به خوان

<sup>۸</sup> شاهان زیر خاک روز قیامت دوباره زاده خواهند شد.

<sup>۹</sup> معشوقه و همسر خسرو پرویز

<sup>۱۰</sup> عالم خاکی با ابرهای سپید و کوه‌های تیره فام اش

خاقانی ازین درگه دریوزه <sup>۱</sup> عبرت کن	تا از درِ تو زین پس دریوزه کند خاقان <sup>۲</sup>
امروز گر از سلطان رندی طلبد توشه	فردا ز درِ رندی توشه طلبد سلطان
گر زادِ ره <sup>۳</sup> مکه تحفه ست به هر شهری	تو زادِ مدائن بر تحفه ز پیِ شروان <sup>۴</sup>
هر کس برَد از مگه سُبحه <sup>۵</sup> ز گِلِ حمزه <sup>۶</sup>	پس تو ز مدائن بر سبحه ز گلِ سلمان
این بحرِ بصیرت بین بی شربت از او مگذر	کز شطّ چنین بحری لب تشنه شدن نتوان
اِخوان <sup>۷</sup> که ز راه آیند آرند ره آوردی	این قطعه ره آورد است از بهرِ دلِ اِخوان
بنگر که در این قطعه چه سحر همی راند	مهتوک <sup>۸</sup> مسیحا دل <sup>۹</sup> دیوانه عاقل جان

### نخستین گزارش های اروپائیان

با سرکار آمدن سلسله صفوی در سال ۱۵۰۲ میلادی و شکل گیری یک نظام قدرتمند پای هیأت های سیاسی دولت های بیگانه و به ویژه اروپائی و همچنین بازرگانان و سیاحان غربی به ایران باز شد و اینگونه آمد و شدها تا اواخر دوران آن خاندان (۱۷۲۲ میلادی) ادامه یافت. بعدها نیز در زمان قارجارها (از ۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵) اروپائیان زیادی با مقاصد گوناگونی روانه ایران شدند. سفرنامه ها و کتاب هایی که این اشخاص بعدها درباره مشاهدات و تجربیات

<sup>۱</sup> گدائی

<sup>۲</sup> گذشتگان پادشاهان مصر قدیم را "فرعون"، پادشاهان روم را "قیصر"، پادشاهان چین را "فغفور"، پادشاهان عجم را "کسری" و پادشاهان تُرکان را "خاقان" می خواندند (در دوران قاجار، لقب بعضی از درباریان و نزدیکان شاه "مُقرّب الخاقان" بود.. فتحعلی شاه قاجار نیز پس از مرگ به لقب "خاقان مغفور" ملقب شد).

<sup>۳</sup> سوغاتی

<sup>۴</sup> شروان یا شیروان (زادگاه خاقانی) واقع در جنوب شرقی قفقاز به موجب عهدنامه گلستان (۲۵ اکتبر ۱۸۱۳) از خاک ایران جدا و به امپراتوری روسیه تزاری ملحق شد.

<sup>۵</sup> تسبیح

<sup>۶</sup> عموی پیامبر

<sup>۷</sup> برادران، یاران، دوستان

<sup>۸</sup> [خاقانی] که مورد هتک حرمت قرار گرفته و رسوا شده

<sup>۹</sup> هستی بخش

خود در ایران در کشورهای خود منتشر کردند حاوی اطلاعات جالب و ارزشمندی درباره آثار تاریخی ایران از جمله کاخ تیسفون یا ایوان مدائن می باشند که به برخی از آنها در اینجا اشاره می شود.

### فیلیپو فرراری

فیلیپو فرراری<sup>۱</sup> (۱۵۵۱-۱۶۲۶) یک کشیش و عالم ایتالیائی بود که در کتاب "مفاهیم جغرافیائی"<sup>۲</sup> خود که در سال ۱۶۰۵ به زبان لاتین منتشر شد از کاخ تیسفون نام برد و شرحی درباره آن و تاریخچه آن نوشت بی آنکه از ایران آن دوران دیداری کرده باشد. توضیحات او چندان دقیق نبودند.

### پیتر و دلا واله

پیتر و دلا واله<sup>۳</sup> (۱۵۸۶-۱۶۵۲) یکی از اشراف زادگان و فرهیختگان نامدار ایتالیا بود که در سال ۱۶۱۷ از طریق بغداد راهی ایران شد و تا سال ۱۶۲۲ که ایران را از مسیر خلیج فارس ترک کرد از چندین شهر از جمله همدان، گلپایگان، اصفهان، قزوین و شیراز دیدن نمود. او در یادداشت های روزانه خود مطالب و اطلاعات بسیار جالب و شیرینی درباره ایران و ایرانیان و آداب و رسوم آنها جمع آوری کرد که شش سال پس از مرگش در سال ۱۶۵۸ تحت عنوان "سفرهای پیتر و دلا واله ...."<sup>۴</sup> در رُم انتشار یافتند و پس از آن چندین بار تجدید چاپ شدند.

دلا واله که بهنگام توقف در بغداد از ایوان مدائن دیداری به عمل آورده بود در یادداشت های مربوط به آن زمان توضیحات مفصلی درباره کاخ تیسفون داد و اشتباهات هم میهن خود فیلیپو فرراری را تصحیح نمود.

### آتانازیوس کیرشنر

آتانازیوس کیرشنر (۱۶۰۲-۱۶۸۰)، روحانی و علامه مشهور آلمانی که تأثیر فراوانی در زمینه های علوم انسانی، تجربی و مهندسی از خود به جای نهاد، در سال ۱۶۷۹ کتابی تحت نام "برج بابل، یا تشریح نوین...."<sup>۵</sup> به زبان لاتین منتشر ساخت و در آن در صفحه ۱۴۹ تصویر زیر را (شکل ۱۰) از کاخ تیسفون ارائه داد.

### سر جان کینر

<sup>۱</sup> Filippo Ferrari

<sup>۲</sup> *Epitome Geographicum*

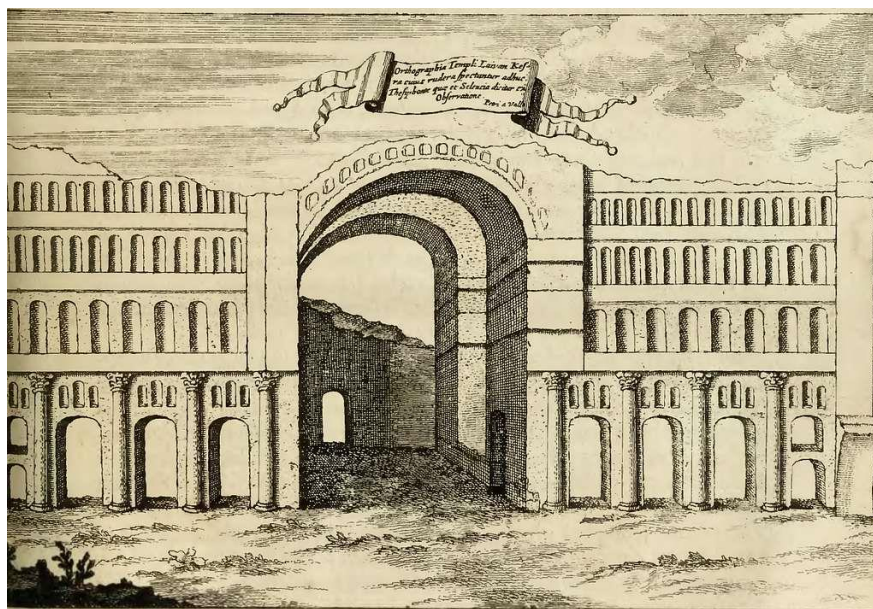
<sup>۳</sup> Pietro della Valle

<sup>۴</sup> *Viaggi di Pietro della Valle il pellegrino....*

<sup>۵</sup> *Turris Babel, sive Archontologia*

در سال ۱۸۱۳ یک افسر اسکاتلندی به نام سِر جان مکدونالد کینیر<sup>۱</sup> (زاده سال ۱۷۸۲ در اسکاتلند، در گذشته در سال ۱۸۳۰ در تبریز) که به عنوان دیپلمات انگلیسی در ایران مأموریت داشت، کتابی تحت عنوان "یک خاطره جغرافیائی از ایران همراه با یک نقشه"<sup>۲</sup> منتشر ساخت. او در این کتاب به تفصیل از طاق کسری سخن گفت، از جمله:

«در کرانه شرقی رود دجله و در سی کیلومتری بغداد ویرانه های شهر تیسفون قرار دارند که زمانی از شهرتی بسیار برخوردار بود. درست در مقابل این خرابه ها، دیواره های شهر یونانی سلوکیه به چشم می خوردند، دو شهری که بعدها در هم ادغام شده و المدائن نام گرفتند. باقیمانده های شهر تیسفون که طاق کسرا یا کاخ خسرو نامیده می- شوند و نشانی اندوهبار از عظمت و شکوه گذشته آن دارند، بنائی است که نمای بیرونی آن ۳۰۰ فوت<sup>۳</sup> طول و ۱۶۰ فوت ارتفاع دارد و در وسط دارای یک طاق خمیده است که بلندای دهانه آن ۱۰۶ فوت و گشادگی دهانه بالغ بر ۸۵ فوت می باشد. دیواره های این بنا بسیار ضخیم هستند.»



شکل ۱۰: تصویر کاخ تیسفون از آتانازیوس کیرشنر

## اوژن فلاندن و پاسکال کوست

<sup>۱</sup> Sir John Macdonald Kinneir

<sup>۲</sup> *A Geographical Memoir of the Persian Empire: Accompanied by a Map*

<sup>۳</sup> یک فوت برابر است با ۳۰,۴۸ سانتیمتر

در سال ۱۸۳۹ دو خاورشناس و نقاش و معمار فرانسوی به نام های اوژن فلاندن<sup>۱</sup> (۱۸۰۹-۱۸۷۶) و پاسکال کوست<sup>۲</sup> (۱۷۸۷-۱۸۷۹) از سوی انستیتو فرانسه<sup>۳</sup> (فرهنگستان هنرهای فرانسوی) مأمور شدند تا برای تهیه یادداشت ها، طرح ها و نقشه هائی از آثار باستانی ایران به این کشور سفر نمایند. دو شخص نامبرده در سال ۱۸۴۰ (در زمان محمد شاه قاجار) پاریس را به مقصد ایران ترک کردند و توانستند به مدت بیش از دو سال طول بر اساس هماهنگی های لازم بین دو دولت فرانسه و ایران و با برخورداری از حمایت مأموران دولتی و حاکمان محلی در تمام نقاط ایران، از جمله کاخ تیسفون بازدید به عمل آورده و گزارش های جالبی همراه با عکس ها<sup>۴</sup> و تصویرها تهیه و تدوین نمایند. آنها پس از بازگشت به فرانسه بین سال های ۱۸۵۱ و ۱۸۵۴ کتابی چند جلدی به نام "سفر به ایران"<sup>۵</sup> در پاریس منتشر کردند که تقریباً تمامی آثار تاریخی و باستانی سراسر ایران (به جز خراسان و حاشیه دریای خزر) در آن به ثبت رسیده بودند. عکسی که در شکل ۱۱ دیده می شود و مربوط به همان سال ها است و تصویری از باقیمانده های کاخ با شکوه تیسفون به دست می دهد.



شکل ۱۱: عکس کاخ تیسفون از فلاندن و کوست

<sup>۱</sup> Eugène Flandin

<sup>۲</sup> Pascal Coste

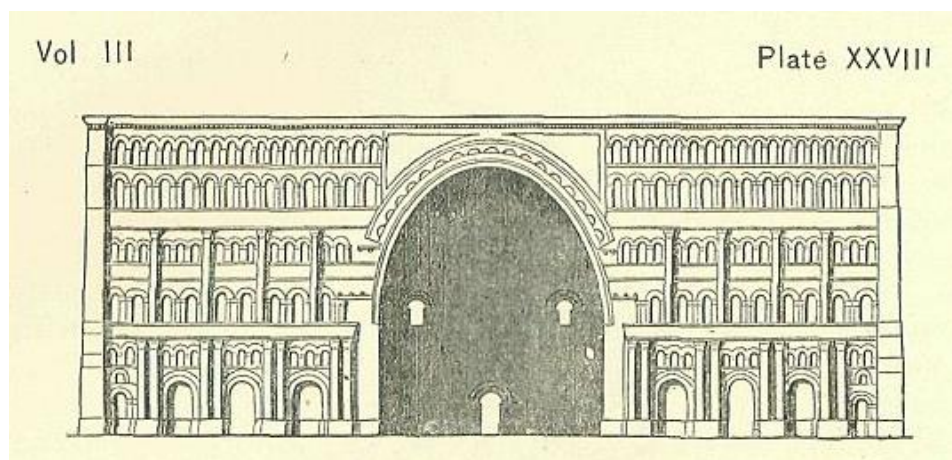
<sup>۳</sup> Institut de France

<sup>۴</sup> در سال ۱۸۲۷ یک فرانسوی به نام ژوزف نیسپور نیپس Joseph Nicéphore Niepce موفق شد یک دوربین عکاسی بسیار ابتدائی بسازد که با آن می توانست فقط عکس های نکاتیو بگیرد. او کمی بعد توفیق یافت با همکاری یک فرانسوی دیگر به نام لوئی ژاک داگر Louis Jaques Daguerre (۱۷۸۷-۱۸۵۱) روش عکاسی خود به گونه چشمگیری بهینه سازی نماید. سرانجام یک انگلیسی به نام هنری فاکس تالبوت Henry Fox Talbot (۱۸۰۰-۱۸۷۷) توانست عکس های منفی-مثبت تهیه نماید و این شیوه ای بود که چاپ تعداد زیادی عکس مثبت از روی یک عکس منفی را ممکن می ساخت. این اختراع در سال ۱۸۳۵ رخ داد.

<sup>۵</sup> *Voyage en Perse*

## سِر جورج راولینسون

یکی از تاریخنگاران مشهور انگلیسی به نام سِر جورج راولینسون<sup>۱</sup> (۱۸۱۲-۱۹۰۲) در سال های ۱۸۵۶/۶۰ کتابی تألیف نمود به عنوان "پنج حکومت سلطنتی قدیمی در شرق دنیا"<sup>۲</sup> که شامل تاریخ دیرین ایرانزمین و سلسله های ماد و هخامنشیان بود، سپس بین سال های ۱۸۶۲/۶۷ دوران اشکانیان و در سال ۱۸۷۵ عصر ساسانیان را به آن افزود.<sup>۳</sup> او در جلد سوم تاریخ مفصل خود طرحی (شکل ۱۲) بر اساس عکسی که اوژن فلاندن و پاسکال کوست از کاخ تیسفون در کتاب خود "سفر به ایران" منتشر کرده بودند ارائه کرده و در ارتباط با آن نوشت:



شکل ۱۲: طرح سِر جورج راولینسون از ایوان مدائن

«چیزی به روزگار ما نرسیده است جز یک تالار طاقدار در بزرگ ترین مقیاس، یعنی ۷۲ فوت عرض، ۸۵ فوت ارتفاع و ۱۱۵ فوت عمق، همراه با یک دیوار بیرونی که نمای اصلی ساختمان را تشکیل می دهد. ساختمان هائی که در دو طرف و در پشت تالار بزرگ وجود داشته اند و برخی از آنها طاقدار بودند به کلی از بین رفته اند و اثری هم از پایه های آنها باقی نمانده است. در هر دو طرف تالار بزرگ دو تالار جانبی نیز وجود داشتند که با یکدیگر مرتبط بودند به طوری که هوای می توانسته از بیرون وارد تالار شود. علاوه بر تالار بزرگ یک اتاق گنبدی شکل نیز وجود داشته که به یک بارگاه باز می شده و دور آن تعدادی ساختمان های متوسط قرار داشته اند. تمام بنا به شکل یک مربع مستطیل بوده و به نظر می رسد که ضلع کوتاه تر آن ۳۷۰ فوت طول داشته. این بنا دستکم سه درب

<sup>۱</sup> Sir George Rawlinson

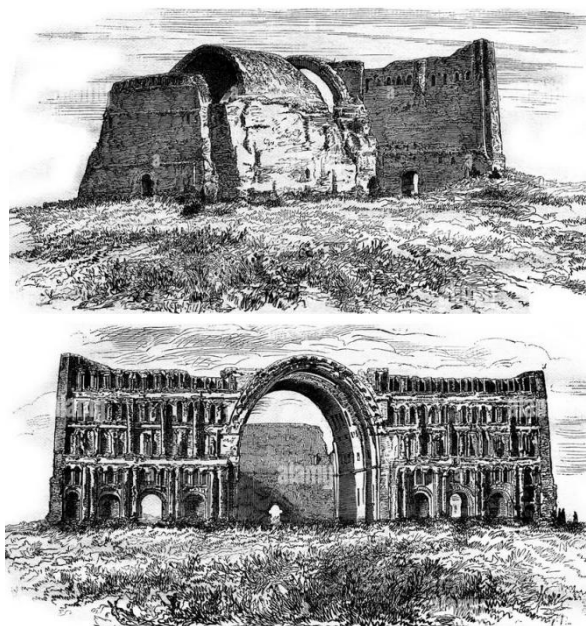
<sup>۲</sup> "The Five Great Monarchies of the Ancient Eastern World"

<sup>۳</sup> George Rawlinson: "The seven great monarchies of the ancient eastern world", The Nottingham Society, 1875

ورودی داشته و تزیینات نمای کاخ عبارتند از سردرها، تورفتگی های دوطاقی و ستون ها. این ستون ها منظر بیرونی بنا را به سه یا چهار طبقه مجزا تقسیم می کنند. طبقات اول و دوم توسط ستون هایی تقسیم می شوند که در طبقه اول یا زیرزمین به صورت جفت هستند، اما در طبقه دوم به صورت تکی قرار دارند. نکته قابل توجه این است که ستون های طبقه دوم به هیچوجه بالای ستون های طبقه اول چیده نشده اند و در نتیجه بر ستون های پایینی قرار ندارند. در طبقات سوم و چهارم ستونی وجود ندارد و فرورفتگی های قوسی شکل بدون وقفه ادامه یافته اند. بر روی طاق بزرگ تالار مرکزی، هفده طاق نیم دایره ای کوچک دیده می شوند که ویژگی دلپذیر و شگفتی به بنا می دهند.»

### مجله "پیتورسک"

مجله فرانسوی "پیتورسک"<sup>۱</sup> در سال ۱۸۷۶ دو تصویر از طاق کسرا منتشر نمود که در شکل ۱۳ دیده می شوند. این مجله که از سال ۱۸۳۳ تا ۱۸۳۸ در پاریس منتشر می شد، نخستین مجله مصور در آن کشور بود. در این دو تصویر نه تنها نمای خارجی ایوان مدائن، بلکه بنای بخش پشت آن نیز دیده می شوند.



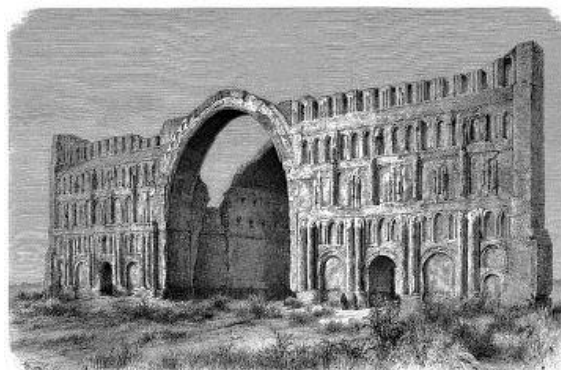
شکل ۱۳: تصویر طاق کسرا در سال ۱۸۷۶

<sup>۱</sup> La Magasin Pittoresque



## ژان و مارسل - اوگوست دیولافوآ

مادام ژان دیولافوآ<sup>۱</sup> (۱۸۴۳-۱۹۲۰) و همسرش مارسل-اوگوست<sup>۲</sup> (۱۸۴۴-۱۹۲۰) که هر دو از باستانشناسان فرانسه بودند سه بار از سوی دولت آن کشور برای انجام کاوش های باستانشناسی به ایران اعزام شدند. نخستین سفر آنها به بنادر جنوبی ایران در سال ۱۸۸۱ صورت گرفت و سفر دوم و سوم آنها در سال های ۱۸۸۴ و ۱۸۸۶ انجام شدند. آن دو نتایج مطالعات و مشاهدات و یافته های باستانشناسی خود را در دو کتاب انتشار دادند. نخستین کتاب با عنوان مسافرت دیولافوآ در "ایران و شوش و کلده"<sup>۳</sup> با بیش از ۷۴۰ صفحه و همراه با طرح ها و نقاشی ها و همچنین عکس هایی که از مکان های گوناگون گرفته بودند، در سال ۱۸۸۷ در پاریس منتشر گردید. در این کتاب تصویری که در شکل ۱۴ دیده می شود همراه با توضیحات مشروح نویسندهگان آورده شده بود، که خلاصه ای از آن در اینجا نقل می شود.



شکل ۱۴: عکسی از نمای خارجی ایوان مدائن (مربوط به سال ۱۸۸۴/۸۵)

«طاق تیسفون که تماماً از آجرهای پخته و ضخیم ساخته شده است، شامل یک نما به طول ۹۱ متر و ارتفاع ۳۵ متر است که در وسط آن یک طاق به عرض ۲۵ متر به شکل تالاری قرار دارد. آجرهایی که آنها را تشکیل می دهند مسطح بوده و نمای زیبایی دارند. این دیوار عظیم و قطور طوری بنا شده است که از نشت و نفوذ آب و هوای مرطوب و زمین لرزه جلوگیری می کند و آنقدر مقاوم است که نه رومی ها و نه اعراب و نه بعدها ترک ها توانستند آنها را تخریب کنند و تنها به پاره کردن نوار به نوار آن راضی بودند. در سمت راست و چپ شبستان مرکزی، ساختمان هایی وجود داشته اند که بدون شک متعلق به نگهبانان و کاتبان سلطنتی بوده اند. در ساختمان

<sup>۱</sup> Jane Dieulafoy

<sup>۲</sup> Marcel-Auguste Dieulafoy

<sup>۳</sup> "La Perse, la Chaldée et la Susiane"

های مشابهی هم همسران پادشاهان ساسانی در حرمسراها به سر می برده و از چشم های بیگانگان پنهان بوده اند. دیواره های بُرشی این کاخ شاهد عظمت و ابعاد آن می باشند. برخی از سکه های اشکانی و خرده سفال هائی که در آنجا یافت شده اند، غنای باستانی این بنا را به ذهن متبادر می کنند. لازم به ذکر است که سکه های ساسانی در طاق کسرا بسیار نادرتر از مسکوکان اشکانی می باشند. آخرین میهمانان این کاخ، جغدها و کلاغ های سیاهی هستند که شب ها نوحه و ناله و آوای آنها در طاق طنین انداز است.»

لازم است در اینجا اشاره شود که غارت های این زن و شوهر فرانسوی از آثار باستانی ایران به ویژه در شوش، آنچنان ارزشمند بودند که دولت فرانسه بالاترین نشان افتخار آن کشور، یعنی نشان لژیون دونور<sup>۱</sup> به آنها اهداء نمود. بسیاری از این آثار اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می شوند.

### ارنست هرتسفلد و فردریش زارره

ارنست هرتسفلد<sup>۲</sup>، باستانشناس دوران کهن و شرقشناس مشهور آلمانی در سال ۱۹۰۷/۰۸ کتابی به نام "طاق کسرا"<sup>۳</sup> انتشار داد که در آن برای نخستین بار نقشه زمینی ایوان مدائن ترسیم شده بود. او با همکاری خود فردریش زارره<sup>۴</sup> که او نیز شرقشناس و باستانشناس نامداری بود، کتاب دیگری با عنوان "کتیبه های صخره ای ایران"<sup>۵</sup> در سال ۱۹۱۰ انتشار داد که در آن بناهای مهم معماری ایران و مکان های باستانشناسی در عراق و منطقه دجله و فرات با جزئیات ذکر شده و عکس هائی از آنها نیز به چاپ رسیده بودند.

### چند عکس و تمبر و نقاشی تاریخی

با پیدایش دوربین عکاسی و امکانات بیشماری که هنر عکاسی فراهم آورد، عکس های تاریخی فراوانی، چه زمینی و چه هوایی، از طاق کسرا گرفته شدند که برخی از آنها به خاطر اهمیت شایانی که دارند در اینجا نشان داده می-شوند.

<sup>۱</sup> Légion d'honneur

<sup>۲</sup> Ernst Herzfeld

<sup>۳</sup> *Tāq-i Kisrā*

<sup>۴</sup> Friedrich Sarre

<sup>۵</sup> "Iranische Felsreliefs"

یکی از قدیمی ترین عکس هائی که طاق کسرا گرفته شد (شکل ۱۵) متعلق به یک نقاش و عکاس مجارستانی ارمنی تبار به نام ساندور الکساندر سوبودا<sup>۱</sup> (۱۸۲۶-۱۸۹۶) است که به احتمال فراوان مربوط به سال ۱۸۵۷ می باشد، زیرا او در این سال بغداد را برای همیشه ترک کرد.

سوبودا در بغداد در یک مدرسه فرانسوی تحصیل کرد و طولی نکشید که به عنوان یک نقاش و عکاس موفق شناخته شد. او یک تابلوی نقاشی با رنگ و روغن نیز از طاق کسرا کشید که در شکل ۱۶ دیده می شود. عکسی که در شکل ۱۷ ملاحظه می شود در سال ۱۸۶۴ گرفته شد و در نوع خود نادر است، زیرا سه نفر در آن دیده می شوند که روی طاق ایستاده اند.

در جنگ بین الملل اول ایوان مدائن شاهد برخوردهائی شدیدی بین نیروهای هندی-بریتانیایی و لشکر عثمانی بود که در ماه نوامبر سال ۱۹۱۵ در بین النهرین (عراق) صورت گرفتند و به "نبرد تیسفون" مشهور شدند. یکی از دلایل اصلی این نبرد، دفاع از پالایشگاه نفت آبادان در دهانه شط العرب (محل برخورد دو رود دجله و فرات) بود. در این جنگ سربازان عثمانی که سال قبل شکست هائی را متحمل شده بودند، موفق شدند لطمات سنگینی به سربازان هندی-بریتانیایی وارد آورده و از پیشروی آنها جلوگیری به عمل آورند.

---

<sup>۱</sup> Sandor Alexander Svoboda



شکل ۱۵: یک عکس قدیمی از طاق کسرا<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> Touraj Daryaee: “*The Bones of Khosrow: The Sacred Topography of Ctesiphon*” ELECTRUM, Vol. 29 (2022): 269.



شکل ۱۶: نقاشی رنگ و روغن اثر الکساندر سوپودا (۷۶،۳×۹۰،۱۲۱ سانتیمتر)



شکل ۱۷: عکس طاق کسری مربوط به سال ۱۸۶۴

آیا و تا چه حد در طی این نبرد ایوان مدائن دچار آسیب شد، معلوم نیست. اما عکسی که در سال ۱۹۱۸ از بقایای ایوان مدائن گرفته شد (شکل ۱۸) نه تنها مانند عکس های پیشین هر دو دیوار سمت راست و چپ طاق را نشان می دهد، بلکه بخش پشتی آن را نیز نمایان می سازد.



شکل ۱۸: عکسی از ایوان مدائن مربوط به سال ۱۹۱۸<sup>۱</sup>

دو عکس هوایی نیز که در شکل های ۱۹ و ۲۰ دیده می شوند و همچنین عکس سراسرنما (پانوراما) در شکل ۲۱ از یادگارهای گرانها از زمانی هستند که هنوز دیوار و نمای سمت راست طاق به طور کامل ریزش نکرده بود.



شکل ۱۹: عکس هوایی پیش از ریزش کامل دیوار سمت راست<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> Baghdad, Camera Studio Iraq, A. Kerim and Hasso Bros, Rotophot AG  
<https://www.alamy.com/stock-photo/ctesiphon.html?sortBy=relevant>



شکل ۲۰: عکس هوایی پیش از ریزش کامل دیوار سمت راست<sup>۲</sup>



شکل ۲۱: عکس سراسرنما پیش از ریزش کامل دیوار سمت راست<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> <http://iranpoliticsclub.net/history/ctesiphone-review/index.htm>

<sup>۲</sup> [https://madainproject.com/taq\\_kasra](https://madainproject.com/taq_kasra)

<sup>۳</sup> <https://www.unusualtraveler.com/visiting-the-ruins-of-ctesiphon-the-last-persian-capital-in-iraq/>

تمبری هم که در سال ۱۹۵۴ به مناسبت جشن هزاره پزشک و فیلسوف بزرگ ابن سینا در ایران منتشر (شکل ۲۲) شد، طاق کسرا را با نماهای راست و چپ نشان می داد (این جشن از یکم تا دهم اردیبهشت ۱۳۳۳ خورشیدی برابر با بیست و یکم تا سی ام آوریل در تهران برگزار گردید).



شکل ۲۲: تمبر منتشر شده در سال ۱۹۵۴

لیکن عکسی که در شکل ۲۳ ملاحظه می شود و در سال ۱۹۲۰ توسط یک استودیوی عکاسی در بغداد گرفته شد، حاکی از آن است که دیوار و نمای سمت راست طاق می باید مدتی قبل ریزش کامل کرده باشد. یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۲۱ تمبری در عراق منتشر شد که فروپاشی دیوار سمت راست طاق را تأیید می نمود (شکل ۲۴).



شکل ۲۳: نخستین عکس ایوان مدائن (۱۹۲۰) پس از ریزش دیوار سمت راست طاق<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> Baghdad, Camera Studio Iraq, A Kerim and Hasso Bros





شکل ۲۴: تمبر عراقی مربوط به سال ۱۹۲۱

یک تابلو نقاشی رنگ و روغن از طاق کسرا هم که در همین دوران خلق شد (شکل ۲۵) نشان از این فروریزی دارد. این تابلو نقاشی اثر یک هنرمند عراقی به نام عبدالقادر الرسام (۱۸۸۲-۱۹۵۲) از نخستین نقاشان عراقی است که در خارج تحصیل نمود و به سبک نقاشان اروپائی کار می کرد.



شکل ۲۵: تابلوی نقاشی اثر عبدالقادر الرسام<sup>۱</sup>

<https://www.pinterest.com/pin/689543392972625420/>

<sup>۱</sup> <https://www.pinterest.com/pin/733383120588510103/>

عکسی که در شکل ۲۶ ملاحظه می شود، مربوط به سال ۱۹۲۲ است و منظره ای از پشت ایوان مدائن را پس از ریزش دیوار سمت راست نمایان می سازد. این عکس در یک دفترچه ۴۸ صفحه به چاپ رسید که با عنوان "عراق، مطالعات تصویری"<sup>۱</sup> از سوی دانشگاه ایلینویز منتشر شده بود. در سال ۱۹۴۰ هنگامی که بخشی از نیروی های نظامی انگلیسی به علت جنگ دوم جهانی در عراق مستقر بودند، نخستین عکس هوایی از طاق کسرا پس از ریزش دیوار سمت راست توسط یک خلبان انگلیسی گرفته شد. این عکس در شکل ۲۷ دیده می شود.



شکل ۲۶: عکسی از نمای عقبی ایوان مدائن در سال ۱۹۲۲



شکل ۲۷: نخستین عکس هوایی از ایوان مدائن (۱۹۴۰)<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> Oliver F. Butler: "Iraq, Photographic Studies", University of Illinois in Urbana-Champaign, 1993.

<sup>۲</sup> <https://www.pinterest.com/pin/109704940917047418/>

این خلبان که روالد دال<sup>۱</sup> نام داشت و در نیرو هوایی سلطنتی<sup>۲</sup> انگلستان خدمت می کرد، بعدها چگونگی گرفتن این عکس را اینگونه شرح داد:

«من با یک هواپیمای قدیمی دوباله هاوکر هت<sup>۳</sup> در حال پرواز انفرادی بر فراز صحرا بودم و دوربین ام را دور گردنم انداخته بودم. وقتی طاق عظیمی را دیدم که تک و تنها در دریایی از شن ایستاده بود، یکی از بال های هواپیما را کج کرده و خودم را به تسمه های حفاظتی ام آویزان کردم و در حالی که نشانه می گرفتم و روی شاتر دوربین ام کلیک کردم. عکس خوبی از آب در آمد!».

تمبر دیگری که در سال ۱۹۶۷ در عراق منتشر شد فروپاشی دیوار سمت راست طاق را نشان می دهد (شکل ۲۸).



شکل ۲۸: تمبر منتشر شده در عراق

### نخستین کاوش های باستانشناسی

اگرچه تیسفون از زمان های قدیم به دلیل وجود ایوان مدائن به عنوان یک مکان مهم و مشهور شناخته شده بود، اما تا سال ۱۹۲۸ هیچگونه عملیات حفاری منظمی در آنجا صورت نگرفتند. نخستین کاوش های باستانشناسی گسترده و مرتب بین سال های ۱۹۲۸ و ۱۹۳۲ ابتدا توسط باستانشنان آلمانی و سپس از سوی باستانشناسان آمریکائی در طاق کسری و اطراف آن انجام شدند و منجر به یافتن آثار و اشیاء تاریخی ارزشمندی از دوران اشکانیان و ساسانیان

<sup>۱</sup> Roald Dahl

<sup>۲</sup> Royal Air Force

<sup>۳</sup> Hawker Hat

گردیدند. بسیاری از این یافته ها اکنون در موزه های برلین و متروپولیتن نیویورک نگهداری می شوند که به برخی از آنها در اینجا اشاره می شود.

از جمله آثاری که هم توسط باستانشناسان آلمانی و هم آمریکائی در اطراف مدائن کشف شدند، گچبری هائی از دوران ساسانیان می باشند و سابقه آنها به اشکانیان نیز می رسد. اینگونه گچبری ها که در اکثر بناهای به جای مانده از آن دوران دیده می شوند دارای نقش های گیاهی، تصاویر مرغان و پرندگان و همچنین حیواناتی از قبیل گراز و خرس می باشند. قطعات شکسته ای از مجسمه های کوچک دیواری نیز به دست آمده اند که زنان رقاصنده و نوازندگان آلات موسیقی را نشان می دهند.

### کاوش های باستانشناسان آلمانی

نخستین عملیات حفاری توسط باستانشناسان آلمانی تحت سرپرستی اُسکار رویتز<sup>۱</sup> و به مأموریت از جانب موزه های دولتی برلین در زمستان سال ۱۹۲۸/۲۹ در مناطق مختلف تیسفون انجام گرفتند. این اقدامات منجر به کشف چندین خانه متعلق به دوره ساسانیان و یک کلیسای دیرین مسیحی گردیده و نقشه زمین کاخ طاق کسری را نیز فاش نمودند.

دومین فعالیت های حفاری باستانشناسان آلمانی به سرپرستی ارنست کونیل<sup>۲</sup> از سوی موزه های دولتی برلین با حمایت موزه هنر متروپولیتن<sup>۳</sup> در همان مناطق صورت گرفتند که از ۴ ماه نوامبر ۱۹۳۱ تا ۱۵ فوریه ۱۹۳۲ ادامه یافتند.

از جمله دستاوردهای این کاوش ها سکه هائی از دوران اشکانیان و گچبری های تزئینی زیبایی از عهد ساسانیان بودند. طیف گسترده ای از آثار یافت شده اشیاء روزمره مانند کاسه های شیشه ای و سرامیک های بدون تزئین هستند و تصویری از زندگانی روزانه برگزیدگان ساسانی به دست می دهند. مقایسه آثار تزئینی با اقلام سودمند نشان می دهد که بخش هایی از خانه های ساسانی مکان های تفریحی مانند تالارهای پذیرایی با تزئینات قابل توجه بوده اند.

<sup>۱</sup> Oscar Reuther: „Die Ausgrabungen der Ktesiphon Expedition im Winter 1928/1929“. Islamische Abteilung der Staatlichen Museen, Berlin 1930.

<sup>۲</sup> Ernst Kühnel: „Die Ausgrabungen der zweiten Ktesiphon Expedition, Winter 1931/32“. Islamische Abteilung der Staatlichen Museen, Berlin 1933.

<sup>۳</sup> Metropolitan Museum of Art, New York

طبق قوانین مربوط به آثار باستانی عراق در سال ۱۹۳۲، نماینده دولت آن کشور مجاز بود هر قطعه از یافته های حفاری را که لازم می داند برای موزه عراق انتخاب نماید. اما در عمل، تیم های باستانشناسی غربی از تقسیم بندی مطلوب تری برخوردار شدند. مثلاً بیش از ۱۶ هزار شیء از تیسفون نصیب موزه برلین شد و موریس دیماندا<sup>۱</sup>، رئیس اتریشی تبار موزه هنر متروپولیتن نیز به نوبه خود ۴۶۶ شیء از آثار تاریخی تیسفون را برای آن موزه انتخاب نمود.

### سکه های اشکانی

حفاری های انجام شده در سال های ۱۹۲۸/۲۹ توسط آلمانی ها منجر به کشف سکه هایی از دوران اشکانی شدند که یک نمونه از آنها در اینجا نشان داده می شود (شکل ۲۹). این سکه نقره ای متعلق به گودرز دوم پادشاه اشکانی است که از سال ۴۶ تا ۵۱ میلادی به نام اشک بیستم فرمانروائی کرد. سکه مزبور که دارای ۱۷ میلیمتر قطر و ۱۴ گرم وزن می باشد، در زرادخانه تیسفون ضرب و روی آن تصویر صورت گودرز با نیم تنه ای چین دار نقش شد.



شکل ۲۹: سکه نقره گودرز دوم اشک بیستم اشکانی<sup>۲</sup>

گودرز دوم از خاندان اصلی اشکانی نبود، بلکه پسر گیو پادشاه "ورکانه" (استراباد و گرگان امروزی) و از وابستگان به خاندان اشکانی به شمار می رفت. دلاوری های این پدر و پسر در شاهنامه فردوسی وصف شده اند.

### گچبری های تزئینی

همانگونه که اشاره شد، کاوشگران گروه باستانشناسی آلمانی موفق به کشف تعداد زیادی گچبری های تزئینی از دوران ساسانیان شدند که چند نمونه از آنها در اینجا نشان داده می شوند.

<sup>۱</sup> Maurice Sven Dimand

<sup>۲</sup> Staatliche Museen zu Berlin (Lübke und Wiedemann)

شکل ۳۰ یک قطعه گچبری را نشان می دهد که ابعاد آن ۲۴ سانتیمتر بلندا، ۴۳ سانتیمتر پهنا و ۶ سانتیمتر کلفتی می باشند.



شکل ۳۰: قطعه گچبری از دوران ساسانی<sup>۱</sup>

این گچبری، چهار برگی هائی را نمایش می دهد که دور مهره های توخالی چیده شده اند و دارای رگبرگ های میانی و برگ بریدگی های ساده و زیبایی هستند. این نقوش به شکل نواری با لبه های ساده طراحی شده اند. احتمال داده می شود که اینگونه گچبری ها بخشی هائی از قاب دیواری های تزئینی خانه ای بوده اند که محل آن پس از فتح تیسفون به "سلمان پاک" مشهور شد.

در شکل ۳۱ یک قطعه گچبری مربع ماندی با ابعاد ۳۳ سانتیمتر در ۳۳ سانتیمتر و ضخامت ۶ سانتیمتر و تزئیناتی از گل مشاهده می شود. این قطعه که در ویرانه های ایوان مدائن پیدا شد هفت کیلو و نیم وزن دارد.



شکل ۳۱: گچبری مربع ماندی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> Museum für Islamische Kunst, Staatliche Museen zu Berlin / Johannes Kramer

<sup>۲</sup> Museum für Islamische Kunst, Staatliche Museen zu Berlin / Nico Becker

نقش های گچبری شده چهار بخش زینتی را تشکیل می دهند که روی آنها بلوط ها و پیچک های ساده و در هم تنیده در اطراف یک گل سرخ شش گلبرگی قرار گرفته اند. در وسط این گل سرخ یک مروارید توخالی دیده می شود. پیچک ها هر یک به دسته هایی از سه جوانه بلوط مانند با کلاهک فلس دار ختم می شوند. نقوش سه ضلعی زنبق ماندی از شاخه ها به صورت شاخ و برگ بیرون آمده اند. اینگونه گچبری ها در حفاری های اطراف تیسفون و در داخل یک ساختمان مسکونی در ناحیه المعارض، نزدیک "سلمان پاک"، به دست آمدند. برخی از آنها به دیوارها چسبیده و به هم متصل بودند تا حالت تزئینی مسطحی را ایجاد کنند. تعدادی از آنها هم روی سنگفرش آجری اتاق قرار داشتند.

شکل ۳۲ گچبری دایره شکلی را نشان می دهد که قطر آن ۱۰۱ سانتیمتر و ضخامت آن ۱۵ سانتیمتر و وزن آن ۱۳۵ کیلو می باشد. اینگونه گچبری های بزرگ چرخ مانند به احتمال زیاد پنجره هائی بوده اند برای ورود هوای تازه و نور به داخل ساختمان ها.



شکل ۳۲: گچبری دایره شکل<sup>۱</sup>

روی این گچبری دایره شکل شش گل نخل مانند در اطراف دهانه ای گرد قرار گرفته اند که پیرامون آن یک نوار باریک است. نقش های قلبی شکل نیز بین گل ها و لبه گچبری دیده می شوند. ظاهراً قطعات پیش ساخته ای از این قبیل به گونه ای کنار هم قرار می گرفتند تا زینت بخش دیوارهای کاخ تیسفون باشند. یافته های این چنین در خانه ای در منطقه شهری المعارض در شرق کاخ به دست آمدند.

<sup>۱</sup> Museum für Islamische Kunst, Staatliche Museen zu Berlin / Johannes Kramer

یکی دیگر از گچبری هائی که در نزدیکی طاق کسری در محلی به نام أم الزعاطیر کشف شد، قطعاً چهارگوشی است که در شکل ۳۳ (چپ) دیده می شود.



شکل ۳۳: گچبری برجسته دیواری با تک نگاری به خط پهلوی<sup>۱</sup>

در وسط دو بالی که روی این گچبری نقش شده اند، کلمه ای به خط پهلوی نوشته شده که گفته می شود به معنای "فزونی" می باشد. محسن مقدم (۱۲۷۹-۱۳۶۶ خورشیدی) بنیادگذار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و یکی از استادان پیشین آن دانشکده که از شاگردان نقاش معروف کمال الملک بود، از نقش این گچبری برای طراحی آرم دانشگاه تهران (شکل ۳۳، راست) الهام گرفت و سعی کرد کلمه دانشگاه تهران را نیز با خطی شبیه به خط پهلوی بنویسد.



شکل ۳۴: مجسمه الهه از مرمر سفید<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> <https://www.alamy.com/stock-photo/ctesiphon.html?sortBy=relevant>

<sup>۲</sup> Staatliche Museen zu Berlin, Museum für Islamische Kunst / J. Kramer



یکی از جالب ترین آثار هنری که توسط کاوشگران آلمانی در تیسفون کشف شد مجسمه تمام قد یک الهه از مرمر سفید است که متعلق به قرن دوم پیش از میلاد است و به سبک یونانی خلق شده است (شکل ۳۴).

### باستانشناسان آمریکائی

در سال های ۱۹۳۱/۳۲ یک گروه حفاری به سرپرستی دو تن از باستانشناسان سرشناس آمریکائی، **والتر هاووزر<sup>۱</sup> و جوزف ام. آپتن<sup>۲</sup>**، از طرف موزه متروپولیتن<sup>۳</sup> مأمور گردید تا در ایوان مدائن و اطراف آن به کاوشگری بپردازد. عملیات حفاری این گروه که در پنج مکان زیر صورت گرفتند:

- أم الزعاطیر

- المعارض

- تل الذهب

- طاق کسری

- سلمان پاک

باستانشناسان آمریکائی با استفاده از روش های حفاری استاندارد و به روز و با بیش از ۵۰۰ کارگر توانستند مناطق وسیعی را مورد بررسی قرار دهند و به دستاوردهای قابل توجه و **ارزشمندی** نائل شوند که تصویری از زندگانی ساسانیان در آن زمان را به دست دهند، از جمله نه‌های آب مرتبط با ایوان مدائن که احتمالاً از آنها برای آیین های زرتشتی استفاده می شده. **یافته های مزبور همگی به موزه متروپولیتن منتقل شدند.**

دو تا از مکان هائی که در بالا از آنها نام برده شد، یعنی المعارض و أم الزعاطیر، خانه هائی از نخبگان بزرگ ساسانی را نشان می دادند که دارای چیدمان های معمول آن دوره بودند، یعنی ترکیبی از اتاق های مربع و کشیده، همچنین تالارهای بزرگ پذیرایی و ایوان ها که اغلب با گچبری ها و نقاشی های زیبا تزئین شده بودند. در أم الزعاطیر که در حدود دو کیلومتری شرق طاق کسری قرار دارد، خانه های بزرگی یافت شدند که حیاط های آنها دارای دو دیوار شرقی و غربی و یک ایوان بودند. ایوان ها با گچبری های برجسته از جمله گل رز، حیوانات،

<sup>1</sup> Walter Hauser

<sup>2</sup> Joseph M. Upton

<sup>3</sup> Joseph Breck "The Ctesiphon Expedition", Metropolitan Museum of Art Bulletin 26, no. 10 (1931), pp. 229-230.

پرندگان و نقش های تاک تزئین شده بودند. در منطقه المعارض، حداقل شش خانه بزرگ ساسانی شناسایی شدند که در برخی از آنها، اتاق های کوچکتر و بدون تزئینات نیز دیده می شدند. در بعضی از خانه ها ظروف شیشه ای و جواهرات و سنگ های نیمه قیمتی نیز پیدا شد که نشان دهنده وضعیت خوب مالکان آنها بودند. خانه ها همگی در امتداد یک خیابان قرار داشتند، و دارای درهای ورودی پلکانی بودند تا نتوان از خیابان مستقیماً داخل آنها شد. این خانه های نیز اتاق هایی با نقش های برجسته گچبری داشتند که به شکل الگوهای تکراری در کنار هم قرار گرفته بودند.

در تل الذهب که تقریباً در یک و نیم کیلومتری جنوب طاق کسری قرار دارد، کاوش های باستانشناسی محوطه ای مربع شکل با تکیه گاه ها و طاقچه ها نمایان ساختند که اضلاع آن  $۱۶۵ \times ۱۶۵$  متر بودند. اگرچه دیوارهای بیرونی از یک طرح مستطیلی دقیق پیروی می کردند، اما خیابان ها و خانه های داخل آن نشان از یک سازماندهی منظم داشتند. نقش های برجسته تزئین شده با طرح های اناری شکل و صلیب ها حاکی از آن بودند که احتمالاً مسیحیان در آنجا زندگی می کردند.

اگرچه سکونتگاه های یافته به طور گسترده ای پراکنده بودند، ولی فرهنگ منسجم ساسانی را نشان می دهند. گچبری ها در این سکونتگاه ها دارای طرح هائی از گل رز و حیواناتی مانند خرس بودند.

در نخستین کاوش های باستانشناسی در تیسفون، خانه هایی از دوران اولیه اسلامی در نزدیکی روستای سلمان پاک حفاری شده بودند. در کاوش های دوره دوم، در این منطقه حفاری گسترده تری صورت گرفتند که منجر به یافت تزئینات گچبری اسلامی بیشتری شدند. این گچبری ها اسلامی در نایب بازتابی از هنرهای سنتی ساسانیان بودند، زیرا تاک ها، برگ ها و گل های سرخ را همچنان به عنوان نقش های محبوب نشان می دادند با این تفاوت که بیشتر حالت های هندسی داشتند.

### گچبری های تزئینی

برخی از منابع مکتوب و تاریخی، طاق کسرا را با کاشی ها و تزئینات گچبری توصیف کرده اند. در شکل ۳۵ یک نمونه از این گچبری ها دیده می شود که نقش های برجسته و مشابهی رویه آنرا تشکیل می دهند. ابعاد این گچبری  $۱۸,۵ \times ۳,۴۳ \times ۵,۸$  سانتیمتر می باشند.

در خانه هایی که در المعارض و أم الزعاطیر از دوران ساسانی یافت شدند، استفاده از قالب هائی از این نوع برای ساختن گچبری ها و تولید الگوهای تکراری در مقیاس بزرگتر وجود داشتند.

در شکل ۳۶ یک گچبری تزئینی دیواری دیگری آورده شده که در آن انارها در آذین های نخلی شکل قرار گرفته اند. ابعاد این گچبری عبارتند از ۲۳,۵ × ۲۵,۱ × ۴,۷ سانتیمتر.



شکل ۳۵: گچبری با طرح های گل و گیاه برای تزئین دیوارها



شکل ۳۶: گچبری تزئینی دیوار با طرح های اناری در آذین های نخلی

یک نمونه دیگر گچبری مربع شکل با ابعاد ۶۴,۸ در ۶۴,۸ سانتیمتر در شکل ۳۷ دیده می شود که برای تزئین دیوارها به کار می رفته. این گچبری مربع شکل خود از چهار مربع کوچکتر تشکیل شده است که هر یک از آنها دارای طرح هائی از گل و گیاه های مشابه می باشند.



شکل ۳۷: گچبری مربع شکل با طرح هائی از گل و گیاه برای تزئین دیوارها

این چهار کاشی قابی شکل در بقایای یک اتاق پذیرایی طاقدار پیدا شد. برای تولید اینگونه کاشیکاری ها فقط به یک قالب نیاز بود که در آن نقوش پیچیده تاک تکرار می شدند. گچبری هائی از این نوع معمولاً برای تزئین خانه های ثروتمندان به کار می رفته اند و نمونه های زیادی از آنها در منطقه تیسفون پیدا شدند.

قاب های دیواری

شکل ۳۸ یک نمونه از قاب های دیواری با نقشی از یک مرغ دریائی یا یک مرغ شاخدار (از ماکیان خانگی) را نشان می دهد که در منطقه أم الزعاطیر کشف شد. این قاب دارای ابعاد ۶,۷۴,۷۴,۷۴ سانتیمتر می باشد و متعلق به دوران ساسانیان است.



شکل ۳۸: قاب دیواری با نقشی از یک مرغ شاخدار

همانگونه که در این شکل دیده می شود، قرار دادن پرنده در داخل یک نوار دایره ای شکل با طرح های حلزونی الگوئی ایجاد می کند که می تواند به صورت تکراری در مقیاس بزرگی برای پوشش سطح دیوار در کنار هم قرار گیرند. از اینگونه نقش های برجسته های گچبری معمولاً برای تزئین ایوان ها و تالارهای پذیرایی خانه های اشرافی استفاده می شده است. نمونه های زیادی از این نوع در خانه های حفاری شده در تیسفون یافت شدند.

**شکل ۳۹ قاب کاشی دیواری دیگری را با نقشی از گراز نشان می دهد که در حال یورش می باشد.** این قاب دارای اندازه هائی به میزان ۲۹,۸×۳۸,۲×۷,۸ سانتیمتر می باشد.



شکل ۳۹: کاشی دیواری با نقش گراز در حال یورش

نقش حیوانات در گچبری قالبی که دیوارهای کاخ ها و خانه های اشرافی ساسانی را تزیین می کرده اند، فراوان دیده شده اند. تابلوی گرازی که در اینجا مشاهده می شود زینت بخش ایوان شرقی یک تالار طاقدار در خانه بزرگی در منطقه أم الزعاطیر در تیسفون بود. صحنه، گرازی را نشان می دهد که از میان نیزارها در حال حرکت است. انتخاب این حیوان ممکن است اشاره به مردابی در جنوب بین النهرین و یا نشان دهنده فرار گراز از یک شکارچی باشد. باید یادآور شد که شکار حیوانات وحشی و درندگان از سرگرمی های مورد علاقه پادشاهان و درباریان بوده و صحنه های شکار در مجموعه های شمایل نگاری ساسانی بسیار رایج بوده اند.

**قابی که شکل ۴۰ نشان می دهد نقش برجسته ای از خرسی است که در حال حرکت یا یورش در میان درختان در یک منطقه کوهستانی است. ابعاد این قالب بالغ بر ۲۹,۷×۳۸,۵×۸,۳ سانتیمتر می باشند.**



شکل ۴۰: نقش خرسی در حال حرکت یا یورش

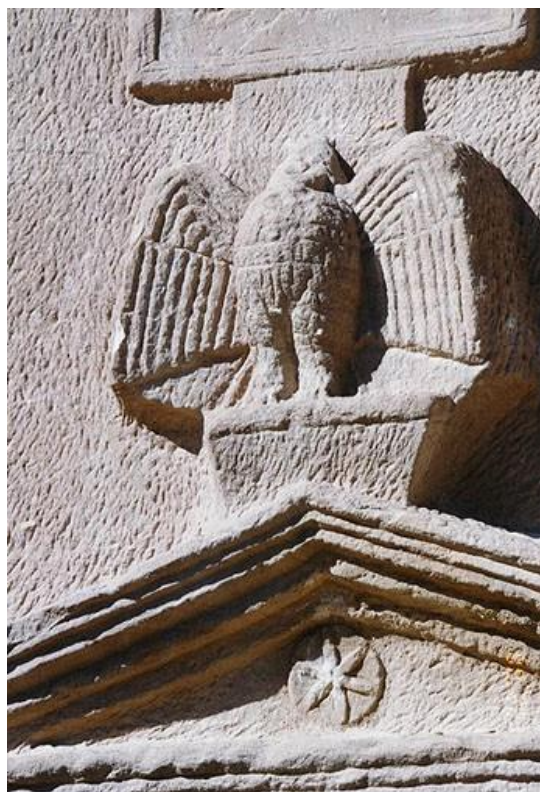
انتخاب خرس در این تصویر ممکن است اشاره ای باشد به کوه های شمالی که بین النهرین را احاطه کرده اند، یا باز هم صحنه ای از شکار باشد.

شکل ۴۱ به ویژه از اینرو قابل توجه است زیرا پیکر برهنه جوانی را نشان می دهد که جامی در دست دارد و در کنار دیواری دراز کشیده است. دو قطعه مشابه از این اثر هنری همراه با نقش برجسته یک شیشه شراب در منطقه المعارض تیسفون نیز به دست آمدند که احتمالاً بخشی از یک صحنه بزرگتر بوده اند.



شکل ۴۱: جوانی دراز کشیده از تزئینات دیواری

اینگونه نقوش برجسته های گچبری معمولاً برای تزئین ایوان ها و تالارهای پذیرایی خانه های اشرافی به کار برده می شدند. نمونه های زیادی از این قبیل در خانه های حفاری شده در منطقه تیسفون یافت شده اند. علاوه بر گچبری ها و نقش هائی که در بالا ذکر شدند، آثار جالب دیگری نیز در تیسفون پیدا شدند مانند عقابی که بر سردر یک خانه (شکل ۴۲) که در تیسفون کشف شد.



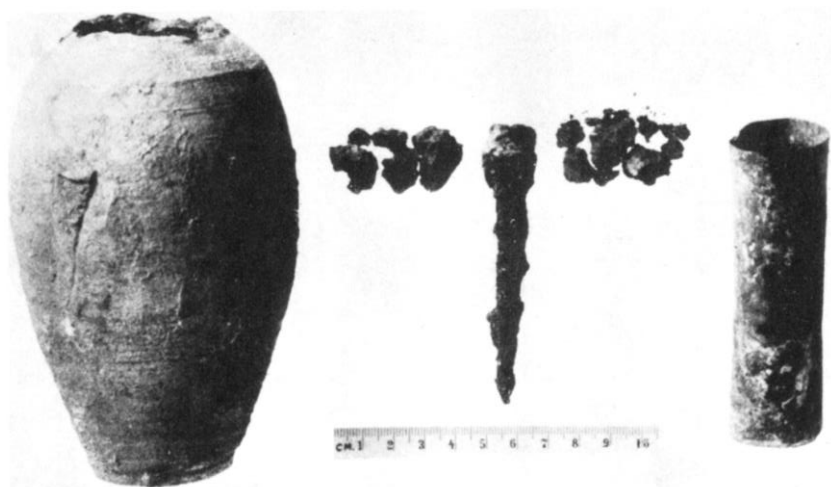
شکل ۴۲: نقش یک عقاب بر سردر خانه ای در تیسفون<sup>۱</sup>

### باتری اشکانی

کشف شگفت انگیز دیگری که در ماه اوت ۱۹۳۶ در نزدیکی خرابه های تیسفون رخداد، پیداشدن سه شیء مختلف (شکل ۴۳، راست) در محله ای به نام خیوط ربوعه (شکل ۴۳، چپ) بود. این اشیاء سه گانه که بزودی به نام "باتری بغداد" ولی بعدها بر اساس واقعیت های تاریخی به نام "باتری اشکانی" شهرت جهانی پیدا کردند، عبارت بودند از یک کوزه کوچک سفالی، یک استوانه باریک مسی و یک میله کوچک آهنی همراه با مقداری خرده قیر.

<sup>۱</sup> <http://iranpoliticsclub.net/library/english-library/222-years1/index.htm>





شکل ۴۳: اشیاء یافته شده در سال ۱۹۳۶ در خیوط ربوعه

ویلهلم کونیک<sup>۱</sup>، یک باستانشناس اتریشی که با گروه حفاری آلمانی در آن منطقه همکاری می کرد، نخستین کسی بود که پس از تأمل فراوان به این فکر افتاد که اگر استوانه مسی را در کوزه سفالی قرار داده و میله آهنی را آن گونه که در شکل ۴۴ نمایش داده شده است در آن آویزان نماید و سپس دهانه کوزه را با خرده قیرها محکم مسدود سازد، ساختاری به دست می آورد که شبیه به یک باتری خواهد بود، البته مشروط بر اینکه کوزه سفالی و یا

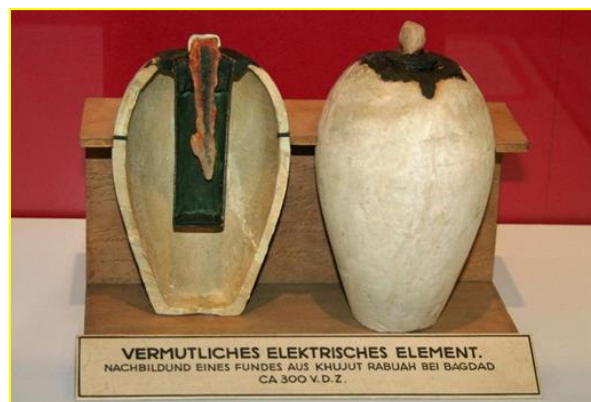
<sup>۱</sup> Wilhelm König

استوانه مسی پُر از یک محلولی اسیدی باشد. او به خوبی می دانست که اجزاء یک باتری همواره دو فلز مختلف (مانند مس و آهن) و یک محلول اسیدی می باشند.



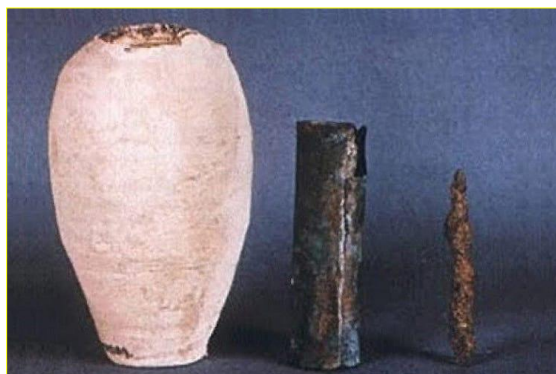
شکل ۴۴: ساختار درونی "باتری اشکانی"

کونیک برای اینکه درستی حدس خود را آزمایش نماید، سه قطعه یافت شده را به دانشگاه فنی وین فرستاد و از متخصصان و مهندسان آن دانشگاه خواست تا نظر خود را درباره استفاده احتمالی از این سه شیء به او اطلاع دهند. آنها نیز پس از بررسی های همه جانبه سرانجام به این نتیجه رسیدند که تنها کاربردی که این اشیاء می توانند داشته باشند، این است که از آنها نوعی باتری ساده ساخته شود. خود نیز مدلی از آن تهیه کردند که از آن زمان تاکنون در دانشگاه فنی وین به عنوان نوعی باتری الکتریکی در معرض نمایش می باشد (شکل ۴۵).



شکل ۴۵: مدل "باتری اشکانی" در دانشگاه فنی وین

کونیک پس از اطمینان خاطر از درستی حدس خود، طی مقاله ای<sup>۱</sup> که در همان سال در یک مجله علمی آلمانی منتشر نمود، جزئیات این کشف را اطلاع داد و پس از اینکه به مدیریت موزه ملی عراق در بغداد منصوب شد، اشیاء یافت شده را در آن موزه به نمایش گذاشت (شکل ۴۶).



شکل ۴۶: اجزاء باتری اشکانی در موزه ملی عراق در بغداد

نویسنده نوشته حاضر با توجه به مقاله ویلهلم کونیک و مقالات متعدد دیگری که پس از آن منتشر شده بودند در نوشتار مفصلی به زبان انگلیسی توضیحات جامعی درباره کشف او و موارد احتمالی استفاده عملی از آن باتری ارائه داد. این نوشتار در سال ۱۹۹۶ در یک مجله علمی سوئیسی به چاپ رسید.

پس از حمله نظامی آمریکا به عراق در سپتامبر سال ۲۰۰۳ و به غارت رفتن موزه ملی عراق در جریان جنگ، اجزاء این باتری نیز به سرنوشت نامعلومی دچار شدند. از اینرو در سال ۲۰۰۴ کتابی به زبان انگلیسی به قلم همین نویسنده تحت عنوان "باتری اشکانی"<sup>۲</sup> منتشر گردید که در آن ماجرای این باتری چه از نقطه نظر تاریخی و چه از لحاظ علمی به تفصیل تشریح گردید. این کتاب بزودی به زبان های آلمانی و روسی و چندی بعد نیز به زبان فارسی ترجمه و منتشر شد.

در سال ۱۳۹۷ نیز به خواسته یک ناشر ایرانی کتاب مفصلتری از همین نویسنده به زبان فارسی به نام "باتری اشکانی"<sup>۳</sup> در تهران انتشار یافت که در آن آخرین تحقیقات دانشمندان غربی معرفی و مورد بحث قرار گرفتند.

<sup>۱</sup> Wilhelm König: „Ein galvanisches Element aus der Partherzeit.“, Forschung und Fortschritte, Band 14, 1936, pp. 8-9.

<sup>۲</sup> Nasser Kanani: “The Parthian Battery. Electric Current 2000 Years Ago.” Eugen G. Leuze Verlag, Bad Saulgau Germany, 2004

<sup>۳</sup> "باتری اشکانی" نوشته ناصر کنعانی، انتشارات سبز، تهران ۱۳۹۷

## ویژه گی های معماری

کاخ تیسفون نه برای نمایش هنر معماری ایرانیان، بلکه به منظور نشان دادن قدرت و عظمت و ثروت شاهان اشکانی و ساسانی ساخته شده بود تا سفیران و فرستادگان بیگانگان حیران و سرگردان به فرمانروایان خود گوشزد کنند و اخطار دهند که ایرانیان در صورت لزوم نیروی درهم شکستن و تارومار کردن هر یک از آنها را دارند. از اینرو دیوارهای داخل کاخ دارای تزئیناتی چشمگیر و دیگر دیواره ها مزین به کاشیکارهای زیبا و ظریفی بودند که صحنه هائی از میدان های نبرد و مناظری از شکارگاه ها را نمایش می دادند. کف ها با صفحات ضخیم مرمرهای سفید و رنگی پوشیده شده و با قالی های ابریشمین پُر از نقش و نگار باغ ها و بوستان ها و جویبارها مفروش بودند. در انتهای ایوان بزرگ پرده ای زربافت آویزان بود که تنها هنگام حضور شاهنشاه به کنار زده می شد. نور تالار از طریق ۱۵۰ دریچه که هر یک دارای محیطی برابر ۱۲ تا ۱۵ متر بودند تأمین می گردید و تعویض هوای تالار توسط تَبوشه هایی به قطر تقریبی ۲۰ سانتیمتر صورت می گرفت. اینجا و آنجا نیز شباک کاری هایی از کاشی، آجر یا چوب برای تهویه هوای بخش های درونی کاخ ساخته شده بودند.

اکنون بی لطف نیست که پیش از پرداختن به پژوهش های معماری طاق کسرا (که تقریباً همگی بدون استثناء توسط غریبان صورت گرفته اند) از یک پژوهش معمارانه ملوکانه کوتاه سخنی گفته شود.

### دیدار ناصرالدین شاه از طاق کسرا

در سال ۱۸۶۹ ناصرالدین شاه قاجار که دوران سلطنت او از ۱۸۴۸ تا ۱۸۹۶ به طول انجامید، آهنگ سفر به عَبَّات<sup>۱</sup> به قصد زیارت قبر امام حسین در کربلا نمود. این سفر پُر هزینه و ۵ ماهه (از ۲۰ جمادی الثانی تا اول ماه ذیحجه سال ۱۲۸۷ هجری قمری) زمانی انجام شد که قحطی بیشتر ایالات ایران بخصوص اصفهان و یزد و خراسان همچنین کاشان و قم و قزوین را فراگرفته بود خشکسالی بر کل فلات ایران بیداد می کرد.

همراهان شاه در این سفر (علاوه بر حرمخانه و طبیب فرانسوی و عکاسباشی مخصوص همایونی) عبارت بودند از بسیاری از شاهزادگان و رجال مملکت و همچنین افواج سواره و توپخانه. ریاست این اردو با سلطان مراد میرزا حسامالسلطنه، فرزند عباس میرزا شاهزاده قاجار بود که به "فاتح هرات" شهرت داشت.

از آنجا که سرزمینی که امروزه عراق نام دارد در آن زمان در قلمروی امپراتوری عثمانی بود، از مدتها قبل چگونگی پذیرایی از شاه قاجار و اردوی همراه او بین دربار عثمانی و سفیر ایران در آنجا (میرزا حسین خان

<sup>۱</sup> عَبَّات (جمع عَبَّة به معنای آستان و درگاه) اصطلاحی است که شیعیان دوازده امامی برای آرامگاه های امامان خود در عراق به کار میبرند. این آرامگاه ها در شهرهای کربلا، نجف، سامرا و کاظمین قرار دارند.

مشیرالدوله، صدر اعظم بعدی) تعیین شده بود. از اینرو پس ورود شاه به بغداد او را در قصری شکیل و زیبا که از قبل آماده شده بود اقامت دادند و یک کشتی بخار بزرگ نیز که متعلق به دولت عثمانی بود جهت رفت و آمد از شط در اختیار او گذاشتند. او با همان کشتی برای تماشای طاق کسری و زیارت قبر سلمان فارسی به مدائن رفت. ناصرالدین شاه وقایع این سفر<sup>۱</sup> را از لحظه حرکت تا زمان بازگشت به تهران به تفصیل و به ترتیب روزانه نوشت از جمله (به نقل از لغتنامه دهخدا):

«روز جمعه بیست و نهم رمضان، صبح بعد از حمام رفتن سوار شدم، امین خلوت [منظور میرزا محمد خان غفاری اقبال الدوله است] دیروز در کشتی با ما نبود، از راه بیابان و صحرا آمده است. قوش هم برای شکار دُرّاج [کَبک، تَدْرُو] آورده است، سوار شده با ما آمد، ابتدا زیارت قبر سلمان رفته، فاتحه ای خواندم، آداب زیارت تقدیم شد، از آنجا به ملاحظه طاق کسری رفتم، صبح امین السلطان [منظور میرزا علی اصغر خان صاحب القاب "صاحب جمع"، "امین السلطان" و "اتابک اعظم" است] را فرستاده بودم که آدمی بالای طاق بفرستد با طناب ارتفاع و عرض و طول و دهنه طاق را معین کند، سابقاً بطور تخمین نوشته شده بود، آنچه بدقت ذرع و معین کرده بودند، از این قرار است: طول فرش انداز ایوان ۴۸ ذرع<sup>۲</sup>، قطر پایه دیوار طاق دست راست ۷ ذرع و چارک<sup>۳</sup>، قطر پایه درگاه سمت وسط ۴ ذرع و نیم، قطر پایه درگاه دست چپ ۷ ذرع و چارک، عرض دهنه طاق ۳۴ ذرع و نیم، ارتفاع طاق ۳۲ ذرع، دهنه پایه طاق از ابتدا تا انتها سمت شمال ۹ ذرع، طول درگاه سمت شمال ۶ ذرع، عرض هر درگاهی سمت شمال ۴ ذرع. عکاسباشی<sup>۴</sup> هم، فتوگرافی بناها و اماکن را برداشته بود. بعد از ملاحظه طاق، به مقبره حذیفه یمانی و عبدالله انصاری رفتم، در یک محوطه است که چند نخل دارد، و یکی از نخيلات را تازه باد شکسته بود، چند نفر خُدام [خدمه ها] از عرب بودند، فاتحه خوانده بیرون آمدم بکشتی بازگشت شد، ناهار را در کشتی خوردم.»

<sup>۱</sup> ماجرای این سفر در همان سال (۱۲۸۷ هجری قمری) در کتابی تحت عنوان "سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات عالیات" به صورت چاپ سنگی به خط نستعلیق میرزا رضا کلهر به انضمام سیاحت نامه دکتر ژوزف تولوزان طبیب فرانسوی مخصوص ناصرالدین شاه که همراه او در این سفر بود و به اضافه دستخط رئیس الکتاب که گویا متن چاپ سنگی را تهیه کرده بود، در ۲۸۵ صفحه منتشر شد.

<sup>۲</sup> یک ذرع برابر است با ۱۰۴ سانتیمتر.

<sup>۳</sup> چارک مخفف چهاریک یا یک چهارم است. در اینجا: یک چهارم ذرع.

<sup>۴</sup> این عکاس میرزا ابراهیم خان نام داشت و پسر میرزا احمد صنیع السلطنه، نقاش بهائی دربار ناصرالدین شاه بود. از آنجا که در آن زمان علمای اسلام نسبت به عکاسی به دلیل تصویرگرایی نظر مثبتی نداشتند این پیشه معمولاً در اختیار اقلیت های مذهبی بود. میرزا ابراهیم خان از ۱۴ سالگی در پاریس به تحصیل در رشته عکاسی و گراورسازی پرداخت و نخستین فیلمبردار ایرانی به شمار می-رود.

شکل ۴۷ یکی از "فتوگرافی های قبله عالم (ناصرالدین شاه)" را نشان می دهد.



شکل ۴۷: از "فتوگرافی های قبله عالم" ناصرالدین شاه<sup>۱</sup>

### پژوهش های غربی ها

پژوهش های معماری گسترده ای که در سده پیشین توسط متخصصین و کارشناسان غربی در ایوان مدائن و اطراف آن انجام شده اند بیش از آنند که بتوان آنها را در این نوشتار در نظر گرفت. از اینرو در اینجا تنها به ذکر خلاصه-ای از یافته های آنان بسنده می شود.<sup>۲</sup>

طاق کسرا در گذشته های نه چندان دور هنوز در میان دو دیوار قرار داشت که یکی از آنها (دیوار سمت راست) مدتها پیش به طور کامل فرو ریخت. ویرانه هایی که اکنون به جای مانده اند، طاق هلالی عظیمی را نشان می دهند که دهانه آن به سوی خاور باز است. ابعاد چشمگیر این بنا را که در نوع خود بزرگترین سازه طاقدار در جهان می-باشد، می توان به خوبی در شکل ۴۸ مشاهده نمود.

مصالح ساختمانی که برای نمای این بنا به کار رفته اند بیشتر از ساروج و مرمر بودند. ساروج که ریشه در واژه پارسی "چاروک" دارد، نوعی ملات (گلی نرم که مصالح بنایی را به یکدیگر می چسباند) ضد آب است که از ابتکارات معماران ایرانی در دوران کهن بوده و در معماری ایرانی کاربرد زیادی داشته است. مواد اصلی و سازنده

<sup>۱</sup> <https://iranwire.com/fa/pictorian/25846/>

<sup>۲</sup> خوانندگانی که به زبان آلمانی آشنائی دارند می توانند به عنوان مثال به رساله دکترای زیر رجوع نمایند که در سال ۲۰۰۸ منتشر شد:

Marion-Isabell Hoffmann: „Sasanidische Palastarchitektur. Forschung - Grundlagen - Funktion“, Ludwig-Maximilians-Universität München, 2008.

این ماده آهک شگفته، خاک رُس، شن و خاکستر حاصل از کودهای حیوانی یا گیاهی و یا الیاف (موی حیوانات) می باشند. در ارتباط با سنگ های مرمر باید اشاره کرد که بنا به ادعای یک تاریخنگار بیزانسی به نام تئوفیلاکتوس سیموکاتس<sup>۱</sup> امپراتور رُم یوستی نیانوس یکم آنها را همراه با استادکاران ماهر برای خسروپرویز فرستاد تا او کاخ خود را به سبک رومی ها بنا کند.



شکل ۴۸: طاق کسرا و ابعاد چشمگیر آن<sup>۲</sup>

زیربنای طاق کسری مستطیلی به عرض ۳۰۰ متر و طول ۴۰۰ متر می باشد. ارتفاع طاق بالغ بر ۴۸ متر و پهنای آن نزدیک به ۴۶ متر است. ضخامت آنجایی که طاق شروع می شود ۴ متر و کلفتی بالاترین نقطه طاق یک متر است. در هر سمت قوس سهمی شکل، دیواره های آجری ضخامت کافی دارند. معماران این بنا می باید از مقدار فشاری که طاقی چنین گول آسا ایجاد خواهد کرد تصور درستی می داشته باشند، چرا که پایه های آنرا را بسیار پهن ریختند تا بتوانند فشار زیادی را تحمل کنند. پهنای پایه ها در قسمت های زیرین طاق و پایین تر از آن به ۴ تا ۷ متر می رسد.

در انتهای تالار درگاهی به درون کاخ باز می شده که در آنجا اتاق های کوچکتر و مرتبط با یکدیگر وجود داشته اند. در هر یک از دو طرف تالار نیز راهروهایی موجود بوده اند که تالار را به ساختمان های دیگر ارتباط می دادند. در مجاورت طاق، چهار دسته ویرانه مشاهده می شوند که یکی از آنها تلی است که زمانی حرمرای خسروپرویز

<sup>۱</sup> Theophylaktos Simokates

<sup>۲</sup> <https://www.britannica.com/place/Taq-Kisra>

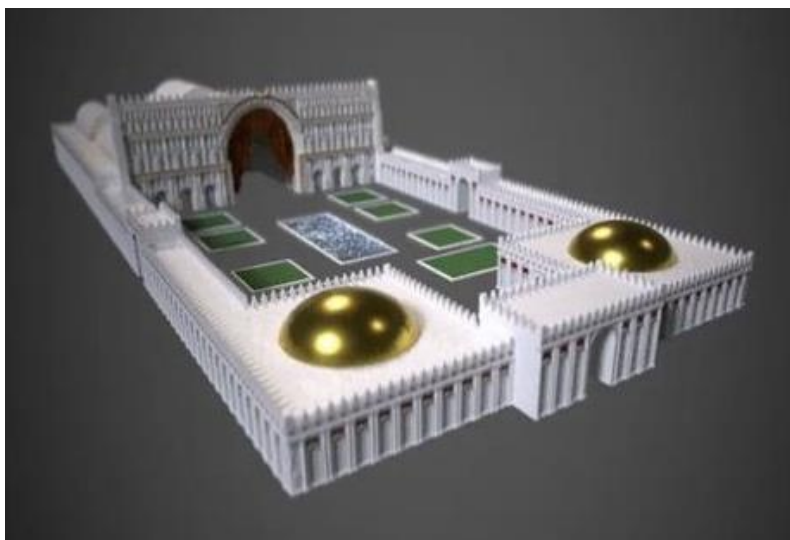
بوده و در ۴۶۰ متری جنوب خاوری آن نیز بقایای ساختمان هایی را می توان دید که تا گوشه دیوار معروف به "بستان کسری" ادامه دارند. حدس زده می شود که آنجا باغی برای نگهداری گوزن ها بوده. در فاصله حدود ۹۱۰ متری جنوب غربی بستان کسرا نیز تلی چهارگوش با ارتفاعی نزدیک به ۶ متر وجود دارد که امروزه به آن "تل الذهب" می گویند زیرا خسرو پرویز خزائن خود در آنجا نگاه می داشته.

بر اساس پژوهش های معماری که مختصری از آنها در بالا ذکر شد، باستانشناسان و معماران طرح ها و مدل های فراوانی ارائه داده اند که به باور آنها می توانند تصویری نسبتاً واقعی از کاخ تیسفون به ذهن بیننده القاء نمایند. در اینجا چند نمونه از آنها دیده می شوند.

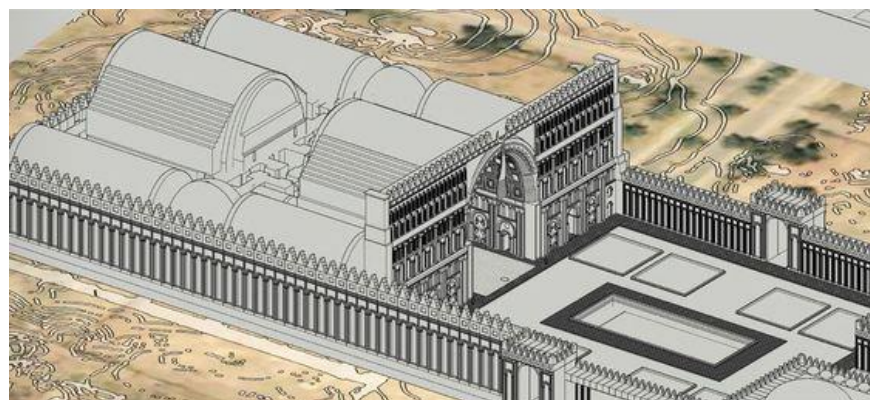


<https://www.pinterest.com/pin/684054630927815960/>





<https://www.pinterest.com/pin/36099234505583498/>



<https://www.pinterest.com/pin/159033430584590132/>



<https://www.behance.net/gallery/27239459/Ctesiphon>

### برخی از رخدادهای دوران معاصر (تخریب ها و مرمت ها)

در دهه ۱۹۷۰ تلاش هایی برای جلوگیری از فروریزی بخش های باقی مانده طاق کسری صورت گرفتند و در دهه ۱۹۸۰ برخی از خرابی ها با همکاری دانشگاه شیکاگو بازسازی شدند.

در سال ۱۹۸۰ صدام حسین با سیاست به ظاهر احترام به گذشته های باستانی، در واقع اما برای جذب توریست ها و گردشگران اروپائی، دست به مرمت نیمبند ایوان مدائن زد. به دستور او تفریحگاهی در نزدیکی طاق کسری برپا شد تا در ضمن یادآور غلبه اعراب بر ایرانیان هم باشد. لیکن اقدامات و تأسیسات او به دنبال جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ متوقف در پی حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نابود شدند. در سال ۲۰۰۴ پروسه مرمت ایوان مدائن دوباره آغاز و بخش شمالی آن کمی بازسازی شد. یک شرکت از جمهوری چک قراردادی برای

بازسازی منطقه تا سال ۲۰۱۷ بست، اما دو سال بعد مرمت‌ها فروریختند و در نتیجه صدمات بیشتری به طاق کسری وارد آمد. در سال ۲۰۱۷ پژوهشگران ایرانی مقیم هلند نخستین فیلم مستند را درباره طاق کسری ساخت که در سال‌های ۲۰۱۵/۱۶ در معرض خطر نابودی توسط داعش بود. این فیلم نیم‌ساعته در فوریه ۲۰۱۸ برای نخستین در دانشگاه لندن (بخش مطالعات شرقی و آفریقایی) به نمایش درآمد.

در مارس ۲۰۱۹ قسمتی از طاق کسرا که ترمیم شده بوده فروریخت و وزیر فرهنگ عراق پس از بازدید از محل قول‌هایی برای مرمت خرابی‌ها داد.